

درباره شوراهای شهر، حقوق و وظایف آنها

صفحه ۲

دستی و هشتمین سالروز تاسیس حزب توده ایران و آغاز انتشار مجدد «مردم»، توسط مردم

دفتر «مردم» گلباران شد

دفتر «مردم»، در حضور رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران وعده‌ای از اعضاء هیئت سیاسی و کمیته مرکزی، توسط نماینده دادستان کل انقلاب گشوده شد



صحنه‌ای از جریان گشایش مجدد دفتر «مردم»

بالاخره زمین مزروعی مال کیست؟

روز پنجشنبه ۱۲ مهر، اطلاعیه‌ای از وزارت کشاورزی درج‌رید انتشار یافت. اطلاعیه درباره جریانی است که در استان فارس رخ داده، مالکان مصرند که زمینهای زراعی را تصرف کنند و دهقانان بحق میطلبند که زمین باید مال آنها، یعنی مال زحمتکش واقعی باشد.

قاعداً از وزارت کشاورزی دولت جمهوری اسلامی انتظار می‌رود که جانب دهقانان مستضعف را بگیرد و دست مالکان مستکبر را، که دهقانان را غارت میکنند، کوتاه نماید. ولی اطلاعیه وزارت کشاورزی درست برعکس است. انتظاری که مردم و بویژه دهقانان فارس از دولت داشتند، برآورده نشده است.

۱۰ مهر، در شهر، درسیهای پیگیرترین مهندسان و آزادیخواهان، در چهره آگاهترین زحمتکشان، شورشی غیرعادی بچشم میخورد. زحمتکشان، روشنفکران آزادیخواه و نیروهای ضد امپریالیست، سی و هشتمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، را در شرایط گشایش مجدد دفتر «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، جشن می‌گرفتند.

روز قبل، دفتر روزنامه «مردم»، در حضور رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران وعده‌ای از اعضاء هیئت سیاسی و کمیته مرکزی و جمعی از اعضا و هواداران حزب، که از گشایش دفتر «مردم» آگاه شده و پیشاپیش آنرا گلباران کرده بودند، توسط نماینده دادستان کل انقلاب، گشوده شده بود و این، یعنی انتشار دیگر باره «مردم»، که یکماه و نیم پیش بدون دلیل توقیف شده بود، بر این شادمانی می‌افزود.

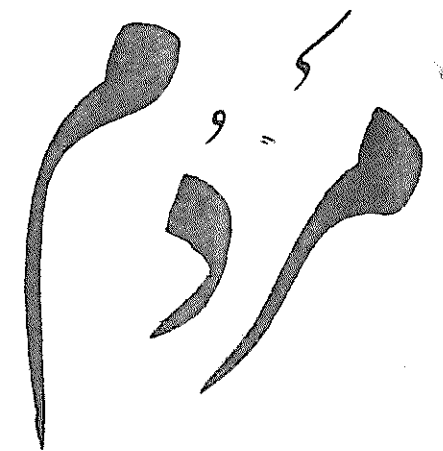
دفتر «مردم» از همان ابتدای گشایش با استقبال وسیع مردم مواجه شد. روزیکه قرار بود دفتر «مردم» گشوده شود، هر چند خبر آن در سطح بسیار محدودی پخش شده بود، ولی از صبح گروه‌هایی از هواداران حزب، با زدن گلهای سرخ به نمای خارجی دفتر، جشن شادمان خود را آغاز کرده بودند. هنگامیکه در ساعت ۴ بعد از ظهر رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی وعده‌ای از اعضاء هیئت سیاسی و کمیته مرکزی به محل دفتر رسیدند، جمعیت باشماره‌درد در دفتر، کمیته مرکزی حزب ما از آنها استقبال کردند. به هنگام گشایش دفتر، حاضران یکسره شروع به خواندن سرود حزب توده ایران کردند و در همان حال بسیاری از شدت شوق میگریستند. حاضران برای نماینده دادستان انقلاب کف زدند و این اقدام بجای دادستانی را در دفع توقیف بی‌دلیل و غیرموجه «مردم» تأیید کردند.

روز بعد در سالروز تاسیس حزب توده ایران و کمی پس از انتشار خبر گشایش دفتر «مردم»، گروه‌های مختلف مردم، از دانش آموزان و دانشجویان و کارگران گرفته تا نمایندگان احزاب و نیروهای مترقی و آزادیخواه، با دسته‌های گل برای تهنیت و تجدید پیمان اتحاد مبارزه در راه تحقق آرمانهای مردمی، بجانب دفتر «مردم» سرازیر شدند. در شهر، در اکثر کیهوسکهای روزنامه فروشی، شماره ۵۶ «مردم» پایام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز سی و هشتمین سال نبرد پیگیر، در راه کسب استقلال ملی، آزادی و تأمین خواسته‌های زحمتکشان، بچشم میخورد. در برخی نقاط، روی دسته روزنامه «مردم»، شاخه گل میبشک سرخی، به نشانه ۳۸ سال فداکاری و استواری در راه آرمانهای مردم زحمتکش قرار داشت.

بقیه در صفحه ۷

درباره مجلس خبرگان و مصوبات آن

در صفحه ۳



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۸
شنبه ۱۴ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

نشانه‌های امیدبخش در راه حل مسئله کردستان

■ حل مسئله کردستان فقط از طریق مسالمت آمیز و با تأمین حقوق ملی خلق کرد امکان پذیر است

طبق اخباری که منتشر شد، حجت الاسلام حسین کرمانی، نماینده اعزامی امام خمینی به غرب کشور، در مهاباد، در جلسه‌ای با شرکت استاندار آذربایجان غربی، فرمانده پادگان و فرماندار مهاباد، نماینده اعزامی نخست وزیر، فرمانده سپاه پاسداران و گروهی از مردم شهر حضور یافت. در این جلسه، نماینده امام، ضمن نطقی که ایراد کرد، به حوادث اخیر کردستان اشاره نمود و گفت:

«آتش که در کردستان روشن شد نه خواست مردم کرد و نه خواست ما بود... این آتش را بیشتر دوستان نادان ما روشن کردند، دوستان نادانی که مانند موریا نه در داخل ما این اعمال را دامن زدند... باید واقعیت را که فعلاً با آن روبرو هستیم قبول کنیم، دولت آنچه را که شما در این جلسه عنوان کردید، به عنوان خودمختاری بکلیه استانها باید بدهد... ما باید کاری کنیم که نگذاریم دشمنان ما بیش از این بما بختند».

آقای حقگو استاندار آذربایجان غربی نیز در این جلسه گفت:

«در اسلام مردم خودمختاری کامل دارند و کسی متکر آن نیست. اما متأسفانه در برخی نقاط برای نتیجه گیری از ثمرات انقلاب عجله شد و باعث بروز ناراحتی هائی گردید».

یکی از نمایندگان مردم مهاباد، با اشاره بلزوم تأمین حقوق ملی خلق کرد، گفت:

در صفحه ۲

تغییر کابینه به چه معنی است؟

برای چندمین بار از آغاز تشکیل دولت موقت، تغییراتی در کابینه بوجود آمده است. معمولاً تغییراتی که در هر دولتی روی میدهد، یا به معنی تغییر در سیاست کلی دولت است در زمینه‌های معین یا جنبه «فنی» دارد، یعنی بعلی غیر از تغییر سیاست کلی دولت صورت میگیرد، مانند استعفا، بیماری عدم توانائی و... یک یا چند وزیر.

تغییراتی که تاکنون در دولت موقت صورت گرفته، در اساس خود، حاکی از تغییر سیاست کلی دولت نبوده است ولی تغییر اخیری که در کابینه آقای مهندس بازرگان صورت گرفته، از دو نظر حائز اهمیت است: نخست آنکه برخی از این تغییرات میتواند حاکی از تغییر سیاست باشد. دوم اینکه از برخی از وزارتخانه‌ها و در نتیجه وزیران آنها، به علت اهمیت و حساسیت وظایف آنها، انتظار عمل جدی و فوری در جهت خواسته‌های مردم می‌رود، کاری که متأسفانه تاکنون صورت نگرفته است.

با اینکه پس از پیروزی انقلاب ایران، حاکمیت ملی ایران بر صنایع نفت اعلام شده، ولی چنانکه همه شواهد حاکی است، آقای نزیه نخوaste و نتوانسته است در سیاست نفتی ایران تغییر اساسی بدهد. نتیجه چنین روشی ادامه وابستگی نفتی ایران به انحصارات امپریالیستی نفت است که، با توجه به نقش عظیمی که نفت در اقتصاد ملی ایران دارد، نتیجه‌ای جز حفظ وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم، نخواهد داشت.

نارضائی بسیاری از محافل سیاسی و اجتماعی از آقای نزیه، که در روزهای اخیر به اوج خود رسید و سرانجام تا تشکیل وزارت نفت و تعیین وزیر جدید نفت، عملاً به برکناری وی منجر شد (بدون آنکه این برکناری اعلام گردد) ناشی از همین واقعیت است.

اینک با ایجاد وزارت نفت و تعیین وزیر جدید نفت مردم انتظار دارند که این تغییر با تغییر در سیاست نفتی ایران در جهت ریشه کن ساختن نفوذ انحصارگران نفت از منابع و صنایع نفت ایران، در جهت تأمین حاکمیت دولتی ایران بر منابع و صنایع نفت خویش همراه باشد.

در مورد ایجاد وزارت مشاور برای رسیدگی به امور استانهای کشور، که واحدهای ملی را هم در بر میگیرد، باید گفت که با شناسائی که از آقای داریوش فروهر، وزیر مشاور

بقیه در صفحه ۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره شوراهای شهر، حقوق و وظایف آنها

یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ایران تصویب اصل راجع بشوراهای قانون اساسی است، که در صورتیکه بمعنای واقعی و خلقی خود اجرا شود، در شکل و محتوای امر شوراداری، در سمت سپردن کار مردم بخود مردم، یعنی در سمت مردمی کردن جامعه ما، تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد. نظام شورائی میتواند راه حل موثری برای مسائل بفرنج سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ملی، فرهنگی و غیره باشد، شوراهای شهر حلقه مهمی از این نظام و سیستم است.

شوراهای شهر، بطوریکه از نامش پیداست، شورائی است برای اداره شهر، که حکومت بر شهر را در دست خود متمرکز میکند. اما اداره شهر و حکومت بر شهر بسود چه کسانی؟ بسود خلق مستضعف و زحمتکش و میهن دوست و بسا به سود دشمنان آنها و یا تلفیقی از این دو؟ شهری که در ایران قارت شده و تحقیر گشته ما از رژیم سرتاپا فساد و ستم پهلوی بارشمانده، همانند سرتاسر جامعه به ارت مانده از طاغوت، بوسیله یک دیوار هولناک، به دو قسمت طاغوتی و مردمی منقسم و مجزا گردیده، روشن است که در چنین شهری نمیتواند شورائی وجود داشته باشد که در عین حال نماینده مردوسی دیوار باشد و شهر را بسود مرد و جوانب اداره کند، زیرا جمع منافع مردم و اقشار ضد مردم در یک جا محال است.

نظام شورائی یک نظام سیستم وسیعی است که بخش اداری و سیاسی آن از شورای ده، شورای بخش، شورای شهر، شورای شهرستان، شورای استان و شورای سرتاسری کشور (مجلس شورایی ملی) و شاید شوراهای دیگر تشکیل میشود. ما در این جا بصورتی شرح این سیستم نمیدانیم؛ زیرا این خود موضوعی است بس مهم و نیازمند طرح و توضیح مبسوط و مخصوص. همچنین در اینجا خیال تدوین آئین نامه و یا نظامنامه برای شوراهای نداریم، بلکه، بدان مناسبت که دولت امروز فقط انتخابات و تشکیل شوراهای شهر را مطرح نموده، میخواهیم بر بنیای یکانه اصل بنیادی - واگذاری کار مردم به خود مردم - آن اصول کلی را بیان نمائیم که تنها با رعایت آنها، شوراهای شهر (و یا هر شورای دیگری) خواهد توانست بیانگر و مجری اراده و محافظ منافع مردم شهر خود باشد.

عده ترین آن اصول کلی به قرار زیر است، ۱- وظایف شورای شهر باید عبارت باشد از سازماندهی و رهبری و نظارت بر کلیه امور مربوط به فرهنگ و بهداشت و برنامه و بودجه و دارائی و تریب و مسکن و آب و برق و خواربار و قیمتها و هزینه زندگی و موسسات تولیدی و خدماتی دولتی، همچنین نظارت بر فعالیت موسسات تولیدی و خدماتی خصوصی و دیگر مسائل صرفاً مربوط به شهر خود، بسود توده ها و اقشار مردمی شهر و قبل از همه مستضعفان و زحمتکشان سازماندهی انتظامی هر شهری نیز باید تحت نظر شورای همان شهر انجام وظیفه کنند.

۲- یک چنین شورائی که باید چندین وظایفی را اجرا کند، باید از جهت شیوه انتخاب و نحوه فعالیت و روح خود دارای مختصات زیرین باشد، الف - نمایندگان شورا های شهر باید در شرایط آزادی کامل از میان طبقات و اقشار مردمی، یعنی کارگران (و کشاورزان - در صورتیکه در شهر و یا حومه اطراف آن کشاورزان موجود باشند)، اصناف و کسبه و پیشهوران، روحانیون مترقی و مبارز، روشنفکران و کارمندان انقلابی و مترقی، سرمایه داران میهن دوست و دیگر اقشار مردمی انتخاب شوند. در این انتخابات باید همه احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای انقلابی، مبارز، میهن دوست و آزادیخواه امکان شرکت آزاد داشته باشند.

ب- شورای هر شهری باید عالی ترین مقام حاکمیت در سطح شهر خود در چارچوب قوانین عام کشور باشد. پ- شهردار و دیگر مسئولان کشوری و انتظاماتی هر شهری باید از جانب شورای همان شهر انتخاب و در راس دستگاه اجرایی شهر خود قرار گیرند و در چارچوب قوانین عام کشور در مقابل شورای شهر خود مسئول باشند. شورای هر شهری طبق قوانین عام کشور در تابعیت مستقیم شورای بخش و یا شورای شهرستان خود قرار دارد البته باید شهر مورد نظر مرکز بخش و یا شهرستان باشد. شهردار و دیگر مسئولان کشوری و انتظاماتی هر شهری را، همانطور که در بالا گفته شد، شورای همان شهر انتخاب میکند و از جانب شورای شهرستان مر سوبه تصویب میگردد.

ت - شورای شهر نباید مردم شهر را آن توده محکوم به اطاعتی بشمارد که مجموع حقوق و وظایف آنها تنها رای دادن است و پس از رای دادن باید برود پی کارش و دیگر رتی و فتق مسائل شهر به او ربطی ندارد. برعکس این شیوه طاغوتی و سرتاپا ارتجاعی، شورای شهر باید فقط در پیوند دائمی با مردم شهر خویش، خود را حکومت شهر بداند و وظایف خود را در پیوند دائمی با مردم شهر خود و با اتکا به نیرو و یاری آنها انجام دهد. یعنی شورای شهر باید مقامی باشد که در راس اقشار مردمی ساکنان شهر و با پشتیبانی و شرکت فعال آنها بر شهر حکومت کند. بنظر ما، اصول کلی فوق، که هدف از آنها سپردن کار هر محلی بدست مردم همان محل است، و بیشک میتواند بسامواد دیگری و یا با تنقیح و اصلاحاتی تکمیل و عمیق تر گردد، یگانه اصول درست مردمی است که باید پایه تشکیل شوراهای شهر و روح فعالیت آنها قرار گیرد. فقط یک شورای منبعت از مردم، آگاه از نیازمندیهای وی و متکی بر اراده وی خواهد توانست بیانگر تقویض کار مردم به مردم باشد. فقط یک چنین شورائی آن ستاد مبارز مردمی را بوجود خواهد آورد که خواهد توانست نیروی مردم شهر خود را در راه بر کردن بنیان رژیم طاغوتی از شهر خود و پایه گذاری یک زندگی انسانی بسپنج نماید و در برابر احیای مجدد سلطه رژیم طاغوتی و ضد مردمی سد غیر قابل عبوری ایجاد کند.

در صورتیکه اصول مذکور در بالا و بویژه روح این اصول، که عبارتست از شکستن شیوه کشورداری طاغوتی و گشودن راه خلق بسوی حاکمیت بر خویش است، مراعات نگردد، شورای شهر نیز مانند آنچههای شهرداری دوران رژیم منغور پهلوی و دیگر نهادها و بنیادهای مسخ گشته آن دوران ضد خلقی، جز یک گروه دیوانسالار گماشته، منفرد از خلق، بی خبر از جامعه و فاقد اعتبار و حیثیت اجتماعی چیزی دیگری نخواهد بود.

ما خواهان تشکیل شورای واقعا مردمی هستیم و برای توضیح و تبلیغ آن از هیچ کوششی کوتاهی نخواهیم کرد، زیرا ما بطوریکه در مقدمه گفتیم، نظام شوراهای را اگر درست ایجاد شود - یگانه و درست ترین شکل تحول بنیاد کشورداری بسود مردم میدانیم.

ما با چنین اصولی و با چنین برنامه ای در انتخابات شوراهای شهر شرکت میکنیم و از مردم و نامزدهای شوراهای شهر و همه نیروها، احزاب، سازمانها، گروههای و شخصیتهای انقلابی، ملی و دمکراتیک نیز می طلبیم که بر اساس چنین اصول و با چنین برنامه ای در انتخابات شوراهای شهر شرکت کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲ مهرماه ۱۳۵۸

بقیه از صفحه ۱
«ما خواهان خواسته هایی که با جمهوری اسلامی مغایرت ندارد، هستیم و دولت باید عملا حسن نیت خود را نشان دهد».

در این جلسه، نمایندگان مردم مهاباد خواسته های مردم، از جمله ایجاد امنیت کامل در شهر، روشن شدن دلایل اجرای برخی احکام و قطع تبلیغات مسموم کننده علیه کردستان را مطرح ساختند. (اطلاعات - ۹ مهر).

آقای داریوش فرزند، وزیر مشاور، گفته است، «اگر بقصد جنگهای صلیبی به کردستان نرویم، بی تردید مشکلات حل خواهد شد».

(اطلاعات - ۱۰ مهر)
پس از خواندن این خبرها، هر ایرانی دلسوز بحال مردم، بدون وارد شدن به جزئیات خبرها، بی اختیار نفسی به راحتی میکشد، زیرا در شرایطی که هنوز برخیها در کردستان با زهم شمشیر میسازند، این خبرها انعکاس روشنی است از خرد انسانی و ندای وجدان و حس برادری. در اینجا دیگر سخن از «یرتاب نارنجک»، «حمله هلیکوپتر کبرا»، «گلوله باران کردن پاسگاه»، «اعدام مهاجم» و کشته شدن برادر بدست برادر نمیرود، بلکه خبر از یک عمل انسانی است، برادران دور هم نشسته اند، دیر روز را به کناری نهاده اند و با هم درد دل میکنند، درد آن دلسوی

نشانه های امید بخش در راه حل مسئله کردستان...

که متاسفانه با دشمنه نوکران استعمار و ارتجاع هنوز هم از آن خون میچکد. و یک وزیر با احساس مسئولیت، از قابل حل بودن مشکل کردستان بطریق غیر نظامی سخن میگویی. اینگونه طرز برخورد با احساس مسئولیت، خوشبختانه منحصر بچند نمونه بالا نیست.

ما اعزام نماینده امام خمینی به کردستان و کوشش این فرستاده را در سمت حل مسأله آمیز و دمکراتیک و انسانی مسئله کردستان و همه کوششهایی را که در این سمت انجام میگردد، از مصمم قلب تهنیت میگوئیم و موفقیت این خط مشی را که بسازتاب انقلاب خلقی ما و بهانگر چهره اسلام واقعی است، از مصمم قلب آرزو مندیم.

حزب توده ایران، طی چندین سند رسمی، که پس از آغاز حوادث اسفند کوردستان انتشار داده، خواستار آن شده است که تفکرها خاموش شوند و در محیط برادری، در حد اعلاای تقاضا و احساس مسئولیت برای سر نوشت انقلاب ایران، بخاطر رسیدن به هدفهای میرم زیرین مذاکره بعمل آید، ۱- تامین خواسته های بحق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت های ملی. ۲- تامین اتحاد

بالاخره زمین مزروعی مال کیست؟...

بقیه از صفحه ۱
که خواستار کشاورزی و همه کسانی که موافق با اجرای دستور امام، به تامین مواد خوراکی و کشت همه زمینهای قابل کشت هستند. خوشحال شدند. اما اربابان و مالکانی که باغصوب زمینها بنام و مالکیت مشرووع، در واقع خراب کاری میکنند و با کشت نکردن زمین جلوی تولید کشاورزی را گرفته و عمل ضد انقلابی انجام میدهند، ناراضی شدند. متاسفانه ناراضی «و نگرانی» این مالکان، با اعمال نفوذ و روابطی که اینها همچنان در دستگاهها دارند، منمکس شد، ولی از امید و انتظار دهقانان سمعی، میان نیامد. وزارت کشاورزی بجای آنکه طرف زحمتکشان را بگردد و تمام اراضی را بحق از آن دهقانان کشتکار اعلام نماید و از مالکان بزرگ، که حق مسلم زارعین را میخورند، عملا خلع ید کند و اخطار مقامات محلی را تأیید نماید، اطلاعاتیه فوق را صادر کرد. خشم دهقانان و خوشحالی مالکان قابل درک است، ولی عمل وزارت کشاورزی دولت موقت قابل درک نیست، مگر با ضوابط و ملاک هایی که ویژه رژیم طاغوتی بود و قاعدتا نباید بجائی در حال حاضر و پس از انقلاب داشته باشد.

وزارت کشاورزی اقدام ضد دهقانی خود را با بهانه های نظیر «اساس موازین شرعی، حقوق قانونی و مشروع اشخاص در املاک زراعی» توجیه کرده است. وزارت کشاورزی دهقانان حق طلبی را کرده بودند، ولی بعلمت اعتراض کارگران که گفتند این همه بیکار در قزوین وجود دارد و شما از رشت کارگر میآورید، از استخدام صدتای باقیمانده سر فتنظر کردند. به کارگران روستائی میگفتند بروید به روستاهای خودتان و در همانجا کار کنید. آنها هر چه قسم میخورند که ما زمین نداریم و فایده ندارد.

مرکز کاریابی قزوین و وضع بیکاران

همه روزه حداقل ۲۰۰ نفر منتقل شده است. کارگران معترض بودند. زیرا شهر صنعتی با شهر فاصله زیاد دارد و کارگران میگفتند، کسی که یول ندارد و بیکار است، باید هر روز ۳-۴ تومان کرایه میبوسد و به شهر صنعتی برود تا آنجا به او بگویند کار نیست.

همه روزه حداقل ۲۰۰ نفر منتقل شده است. کارگران معترض بودند. زیرا شهر صنعتی با شهر فاصله زیاد دارد و کارگران میگفتند، کسی که یول ندارد و بیکار است، باید هر روز ۳-۴ تومان کرایه میبوسد و به شهر صنعتی برود تا آنجا به او بگویند کار نیست.

در مرکز کاریابی و اشتغال قزوین، واقع در خیابان طالقانی، هر روز صف طولی بیکاران تشکیل میشود، روز چهارم شهریور، که کارگران به مرکز کاریابی مراجعه میکنند، با پارچه بزرگ بر فراز مرکز کاریابی مواجه میشوند که روی آن نوشته شده بود: «برای سهولت کار، این مرکز به کمیته انقلاب اسلامی شهر صنعتی، قزوین،

همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه کن ساختن عوامل امپریالیسم، امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و سراسر ایران». در اعلامیه حزب توده ایران گفته میشود: «بنظر ما، تشکیل شوراهای - آنطور که فقید سید آیت الله طالقانی پیشنهاد میکرد و تصویب امام خمینی و شورای انقلاب هم رسیده بود - میتواند زمینه مناسبی برای مذاکره بمنظور نیل به هدفهای فوق باشد».

حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که آماده است تمام نیروها و امکانش را برای حل مسأله آمیز و عادلانه مسئله کردستان بکار برد. سیاست و عمل حزب توده ایران، از درک این واقعیت ناشی میشود که مشکل کردستان، مشکل یک خلق قارت شده، تحقیر گشته، محروم و مستعبد است و فقط بسا برداشتن بار این ستمهای کمر شکن از گردن خلق کرد، مشکل بطور بنیادی حل خواهد شد. با همین درک واقع بینانه و انسانی از مشکل کردستان است که حزب توده ایران، با اطمینان قاطع به امکان حل مسأله آمیز و مردمی این مشکل، آماده شرکت در این امر خیر و کمک یاری به حکومت جمهوری اسلامی ایران است، تا همین ما از یک منحصه خونین و ناخواسته رهایی یابد.

بخلع ید از مالکانی که کشت پایتزه را انجام ندهند، «تصمیمات عناصر غیر مسؤل و غیر قانونی» خوانده شده است. این عناصر غیر مسؤل کیانند؟ چرا چنین تصمیمی غیر قانونی است؟ چرا اراضی نباید مال دهقانان باشد؟ چرا قانون زمینداری جماعتی شده و همه اهداف انقلاب و رهنمودهای صریح رهبری انقلاب در باره توجه به زراعین و زراعت را میکوبد؟ بالاخره زمین مزروعی مال کیست و آیا تا مال خود دهقانان نباشد مسائل مهم وجدی مادرده و در سطح کشاورزی کشور حل خواهد شد؟ اینها سئوالهای حیاتی است، که اطلاعاتیه پنجشنبه وزارت کشاورزی متاسفانه با آنها پاسخ در جهت مخالف بسا هدفها و نیازهای انقلاب، مخالف بسا خواسته های حق و زمین دهقانان داده است.

«مردم» روزانه شد
هموطنان! رفقای عزیز! هموآداران و دوستان حزب! با آغاز سی و نهمین سال تاسیس حزب توده ایران، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب، بشیر از روزهای تعطیل، روزانه منتشر میشود. انتظار داریم که با کمک معنوی و مادی به «مردم» و بویژه بخش هر چه وسیعتر آن، به انجام وظایف خطیری که «مردم» در پیشبرد مشی حزب و در دفاع از انقلاب بزرگ مردم ایران برعهده دارد، یاری رسانید.

«مردم»

درباره وضع زندگی کارگران کوره پز خانه های عادل آباد شیراز

بعد از انقلاب هر کس میرود در محل زندگی کارکنند. همین کارگر میگفت: «اگر بخوام به مرخصی بروم، باید شخصی را بجای خود بگذارم و خودم حقوق به او بدهم و بروم.»

کارگر کوره پز خانه معمولاً «هنراری» حقوق میگیرند. این کارگران برای آنکه تمامی مزد یک قسمت را به خانواده خود اختصاص دهند، زن و بچه خود را نیز به کار میکشند. و نیز در یکی از همین کوره ها، چرخشکی بچه های ۱۲، ۱۳ ساله خود را نیز، که در تابستان بیکار بودند، به کار واداشته بود. این شخص میگفت: «کارفرما باید به ما حق اولاد، ۱۲ روز تعطیل در سال و تعطیل جمعه ها را بدهد، چون دستور امام است.» این شخص تصمیم دارد زمانی که کار چرخشکی تمام شد، برای شکایت از کارفرما اقدام کند. کارچرخشکی مخصوص تابستان است.»

خواستهای این کارگر، خواست سایر کارگران کوره «فرزان» نیز هست. علاوه بر آن کارگران کوره «فرزان»، خواهان دریافت حقوق سه ماه تعطیل کوره در دوران انقلاب هستند. یکی از این کارگران میگفت: «طبق قولی که کارفرما داده بود، قرار شد این مبلغ را هفته ای به ما بدهد، اما فقط دو هفته به قول خود وفا کرد.»

اخبار کارگری

در عادل آباد شیراز، کوره پز خانه های وجود دارد که حدود ۱۰۰ نفر کارگر در آنها مشغول کارند. کارگران چرخشکی (با اندک تفاوت در کوره های مختلف) برای هر هزار آجر مبلغ ۱۷۵ ریال دریافت میکنند، که این دستمزد بر حسب آجرهایی که از کوره سالم بیرون می آید، محاسبه میشود. در این قسمت (چرخشکی) معمولاً در کوره های مختلف از ۶ تا ۴ نفر کار میکنند و مبلغ ۱۷۵ ریال بابت هر هزار آجر بین آنها تقسیم میشود و بطور متوسط هر کارگر چرخشکی در روز ۷۰ تومان مزد میگیرد. کارفرما برای کار آجرپزی هر هزار آجر، ۱۰ تومان پرداخت میکند که به هر کارگر کوره بطور متوسط در روز حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ تومان میرسد.

یکی از کارگران آجرپز کوره «فرزان»، که تبریزی بود، در آرزوی بازگشت به «وطن» و کار کردن در شهر خود بود. او میگفت: «میگویند

سوگندنامه جدید

«سازمان نوسازی و عمران اراضی غرب تهران وابسته به بنیاد علوی»، سوگندنامه ای را به امضاء کارگران خود رسانده است، که طبق ماده ۴ آن، کارگر متعهد میشود که:

در مدت انجام کار هر گاه کارگری از وظایف کارگری و اخلاقی خود غافل و از انجام کارهای محوله طفره ببرد، با تصحیح برادرانه او را متوجه مسئولیت شرعی و اخلاقی اش بنماییم و در صورت تکرار، مراتب را به مسئولین کارگاه اطلاع دهیم.»

متأسفانه باید گفت که این ماده از سوگندنامه، خاطره تلخ تمدن نامه ها و رده نویسی های زمان شاه مخلوع را بخاطر می آورد که کارگران را به خبثت و جاسوسی در محل کار و گزارش نویسی و یا پوشش دوزی درباره همکاران خود و امید داشتند. باید پرسید که در محیط یک کارخانه و کارگاه، چه کسی مرزهای مسئولیت شرعی و اخلاقی کارگران را مشخص میکند و این مرزها بر اساس کدام ضوابط تعیین میشود؟

روشن است که هر فردی، بر حسب آگاهی و بینش اجتماعی خود، از مسئولیت شرعی و اخلاقی چیزی میفهمد که ممکن است با استنباط دیگری متفاوت باشد. در نتیجه اجرای این سوگند نامه چنان جوی در کارخانه بوجود می آید که هر کسی خود را معلم و آموزگار دیگری بداند و بخواهد استنباط خود را از مسئولیت شرعی و اخلاقی بدیگری تحمیل کند. در چنین محیطی، بازار پرورنده سازی و یا پوشش دوزی رواج خواهد یافت و هیچ کارگری تأمین نخواهد داشت.

وظیفه کارگری و اخلاقی هر کارگر در کارخانه عبارت از انجام وظایفی است که قانون کار برای او معین کرده است. تقسیم این وظیفه به مسئولیت شرعی و اخلاقی، تقسیم مبهمی است که فقط میتواند دستاویز کارفرمایان برای مجازات و اخراج کارگران مبارز و حقوق طلب گردد.

اگر کارگری بوظایف کارگری خود عمل نکند و یا به وظایف اخلاقی خود در محیط کاری اعتنا بود، این فقط وظیفه سندیکی کارگری است که بوضع او رسیده و پس از اثبات مسامحه و تخلف درباره اش تصمیم بگیرد و هیچ فرد یا مرجع دیگری حق گزارش دهی و تصمیم گیری درباره کارگر متخلف را ندارد.

نمونه برداری از شیوه های زشتی که رژیم منحط گذشته برای کسب اطلاع از روحیات و معتقدات کارگران بکار میبرد، در شان انقلاب ما نیست و نباید اجازه داد که اینگونه شیوه های مردود، از نود محیط کارخانه ها و کارگاه ها احیا شود.

تشکر

هفته نامه «سوگند»، ارگان مرکزی «اتحاد دمکراتیک مردم ایران»، فعالیت مجدد «مردم»، در آغاز سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، شادباش گفته است. از کارکنان «سوگند» به این مناسبت صمیمانه تشکر میکنم.

«مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹، چاپ، کویان

شماره اول ۱۳۵۸
دنیای
نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران منتشر شد

درباره مصوبات مجلس خبرگان (۳)

در شماره های گذشته «مردم» بحثی را پیرامون کارهای مجلس خبرگان و سمتگیری عمومی آن آغاز کردیم. و برخی از مواد آنرا، در مقایسه بین متن پیش نویسی که در خردادماه بمردم عرضه شده بود و متنی که اکنون توسط خبرگان تدوین و تصویب میشود، مورد بررسی قرار دادیم.

اینک، طی یک سلسله مقاله دیگر، بررسی خود را ادامه میدهیم و نظر خود را، با این امید که در تصمیم گیری نهائی موثر واقع شود، ارائه میداریم! زیرا قانون اساسی مهمترین سند حقوقی جمهوری اسلامی ایرانست و باید بسیج کننده همه مردم و آئینه آرمانها و بازتاب دستاوردهای انقلاب ما باشد.

اصل دهم مربوط به خانواده و قداست آنست و بجای اصول ۱۲ و ۱۱ پیش نویس می آید. در این ماده، از اینکه خانواده واحد بنیادی جامعه است و پیرامون آن شکل آن و قداست آن صحبت میشود.

بنظر ما هم خانواده واحد مقدسی در جامعه است و باید از هر گونه پیرایه زور و تحکم و نابرابری و فساد و وابستگی مالی و معیشتی و غیره پاک باشد، تا واقعاً برشالوده دوستی و تقدس و محبت استوار گردد.

بنظر ما، شرط اساسی یک چنین تقدس استوار و مستحکم خانواده، چیزی جز تساوی کامل حقوق زن و مرد نمیتواند باشد. زن و مرد باید از نظر قانونی و مدنی از جمیع جهات دارای حقوق مساوی و وظایف برابر باشند تا بتوان یک چنین خانواده ای را بنیان گذاری کرد. متأسفانه خبرگان این اصل اساسی را بکلی نادیده گرفتند و ابتدا نامی هم از برابری حقوق زن و مرد و وظایف همسران بعنوان شرط عمده استحکام و سلامت خانواده در میان نیست. اگر لااقل این اصل مسلم اسلامی، که همگان برابرند و معماری برای تفوق افراد جن تقوی وجود ندارد در نظر گرفته میشد و همچنین مشارکت زنان در انقلاب و شهیدانی که داده اند یا پروراندند و تقدیم انقلاب کرده اند، فراموش نمیشد، بی هیچ تردیدی حق آن میبود که برابری زن و مرد در خانواده، صراحتاً و بدقت، بعنوان یک حق و یک وظیفه، در قانون اساسی قید و مسجل میگردد. متأسفانه کنیز و نکرانی آور است که چنین نشد و حق مسلم زنان ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلابی که زنان در آن نقش افتخار آمیز داشتند، بازتاب نیافت.

حق آن است که در اینجا دو نکته را یادآوری کنیم، یکی گفته های صریح و مکرر امام خمینی درباره نقش زنان در انقلاب و حق آنان به شرکت در حیات سیاسی کشور است که گویی نمایندگان مجلس خبرگان آنرا ناشنیده گرفته اند، اگر زنان، بگفته امام، چنین نقش والا داشته و از حقوق سیاسی برابر، منجمله در انتخاب کردن و انتخاب شدن، برخوردارند، هیچ دلیلی نمیتوان یافت که در سایر امور و در زمینه های مدنی و اداری و خانوادگی و فرهنگی و اجتماعی، با حقوق زنان برخورد انقلابی مشابهی صورت نگیرد و همانطور که در صدر اسلام در مورد مسئله زنان نسبت بدوره جاهلیت، انقلابی عمل شد، اکنون نیز همان شیوه مورد عمل قرار نگیرد. امام، پیشرو بودن زنان را در انقلاب بارها یادآوری کرده است. آیا حق هست که این پیشروها، یعنی زنان را در واپس ترین رده قرارداد و حقوق کاملاً مساوی آنان را در قانون اساسی، که ثمره آنهمه فداکاری و مشارکت و جانبازی است، نادیده گرفت؟ نکته دوم آنست که، اهمیت این موضوع توسط حزب توده ایران، به هنگام بحث پیرامون پیش نویس قانون اساسی، قبل از انتخابات مجلس خبرگان، و همچنین توسط کاندیداهای حزب توده ایران در جریان این انتخابات، بکرات و صریحاً خاطر نشان شد. کسی نمیتواند بگوید که، بموقع خود، توجه مسئولان و تدوین کنندگان آینده قانون اساسی باین مسئله حیاتی و حساس جلب نشده است. در متن اصلاحات پیشنهادی حزب توده ایران، که همراه نامه سرگشاده ای از جانب کمیته مرکزی حزب ما به هیئت دولت تسلیم شد، در ماده چهارم چنین گفته میشود:

«حزب توده ایران پیشنهاد میکند که در مورد حقوق زنان نکات زیرین تصریح شود: قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین میکند. تأمین برابری حقوق زن و مرد شرط اساسی تحول بنیادی جامعه و ترقی آنست.»

اضافه میکنم که مسئله حقوق زنان، مسئله ای است که با سرنوشت انقلاب ما بستگی دارد و تنها حقی نیست که زنان با خون و فداکاری خود بدست آورده باشند. ما باید دستاوردهای انقلاب را از دستبرد ضدانقلاب مصون نگاهداریم، برای این صیانت، به نیروی جدی اجتماعی در برابر نیروی دشمن نیاز داریم. زنان بخش مهمی از این نیروی عظیم ضروری را تشکیل میدهند. اگر واقعاً سرنوشت انقلاب و پیروزی و پیشبرد آن علاقه مندیم، حق نداریم حق کاملاً برابر زنان را نادیده بگیریم و انقلاب را از این نیروی عظیم و لایزال و پیشرو، که نقش و اهمیت خود را حلالاً دیگر ثابت کرده است، محروم کنیم.

مطالعی که در مورد اصل دهم گفتیم، درباره اصل مربوط به حقوق برابر مردم از زن و مرد (موضوع اصل ۲۲ در پیش نویس)، که در مجلس خبرگان بصورت تحریف شده و غیر قابل قبولی چندین روز بعد به تصویب رسید نیز صدق میکند. در مورد آن ماده در جای خود صحبت خواهیم کرد.

اصل یازدهم مربوط به دین و مذهب رسمی کشور است. در پیش نویس، در مورد مذهب جمعیتی اضافه شده بود که: «مذهب اکثریت مسلمانان ایرانست.» این قید، که توجه گنجانیدن این رسمیت در قانون اساسی کشور ما، در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی بود، در متنی که در مجلس خبرگان تصویب شده، برداشته شده و بجای آن عبارت «این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است»، نهاده شده است حتی آن کسانی که بر سالت جهانی اسلام معتقدند و میخواهند جمهوری اسلامی ایران نمونه ای در سطح همه کشورهای مسلمان باشد، چنین فرمول بندی تازه ای را مفایر بناظر خود میدانند و معتقدند که از قدرت جاذبه تجربی بمادراسایر کشورها خواهد کاست.

آنچه در ماده یازدهم مهم است، اینست که در ایران میلیونها مسلمان غیر شیعه وجود دارد. قانون اساسی موظف است حقوق آنها را نیز برسمیت بشناسد. ولی با اعتقاد مسلمانان غیر شیعه و نمایندگانشان در مجلس خبرگان، حقوق آنها برسمیت شناخته نشده و همین کلمه «رسمیت»، جز در مورد تعلیم و تربیت و احوال شخصی، بکار نرفته است. تساوی حقوق همه این مسلمانان غیر شیعه، بویژه از آنجا اهمیت ویژه ای کسب میکند که آنان در ضمن بسیاری از خلقت های غیر فارسی ساکن میهن واحد ما ایران، نظیر کردها، بلوچ ها، ترکمن ها و اغلب عرب ها را در بر میگیرد. باین حقوق مساوی توجهی نشده است. همین خود با اهمیت و حساسیت موضوع بسی میافزاید و مسئله را از چهارچوب رسمیت مذهبی در مورد مسلمانان غیر شیعه خارج میکند و بآن بعدی میبخشد در حدس نوشت انقلاب. همه بیاد دارند که نظر و عقیده نماینده بلوچستان، که رهبر مذهبی سنی این استان نیز هست، تا آنجا از جانب گروه نیرومند گرداننده مجلس خبرگان نادیده گرفته شد، که بموقع بحث این ماده، مجلس بحال تشنج درآمد و نماینده مزبور با بیان مخالفت خود تصریح کرد که میخواهند با تکیه با اکثریتی که حاصل است، رأی گیری و نقض حقوق کنند. این نماینده بعد هم ناگزیر شد که شخصاً بحضور امام به قم رود. و همه میدانند که چند روز بعد، در زاهدان تظاهراتی وسیع، حتی علیه غم خواست و سفارش این نماینده در مجلس خبرگان، صورت گرفت. شک نیست که با دوراندیشی بیشتر و با توجه به حقوق خلقها و صاحبان سایر ادیان و مذاهب، میشد قبل از وقوع حادثه، بقول مجاهد فقید طالقانی، پیشگیری کرد تا نهبی به پس گرفتن، به هنگام بروز حوادث بهرانی نیفتد.

اسناد حزبی

دردوران توقیف بدون دلیل «مردم» ازجانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های متعددی بمناسبت رویدادهای گوناگون انتشار یافت. از آنجا که این اسناد، بعلاوه محدودیت‌های موجود، در دسترس همه علاقمندان قرار نگرفته است، «مردم» بار دیگر این اسناد را، برحسب تاریخ انتشار، بچاپ می‌رساند تا همان‌ان از آن اطلاع یابند.

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره وضع کنونی کشور

هم میهنان گرامی!

انقلاب تاریخی مردم ایران، که بدون تردید یکی از بزرگترین حماسه‌های تاریخ معاصر جهان است، به مرحله بفرجه‌ای از تکامل خود رسیده است.

انقلاب ما، برپایه شرکت واتحاد تقریباً همه مردم کشور، با رهبری قاطع امام خمینی، توانست یکی از مستحکم‌ترین دژهای امپریالیسم وارث‌تاج جهانی را درهم شکند و مدت نسبتاً کوتاه عمر خود، به‌ویژه در شش ماه اول پس از پیروزی انقلاب، با برانداختن رژیم استبداد سلطنتی، درجهت تأمین استقلال ملی و آزادی، درجهت پایان بخشیدن به تسلط امپریالیستی و صهیونیستی بر همه شئون زندگی و محدود کردن چپاولگری طبقات حاکمه نظام پوسیده سلطنتی، به دست آوردن چشمانداز نوین را بدست آورد.

حزب توده ایران که از آغاز پیدایش خود پرچم مبارزه برای استقلال ملی و آزادی و دفاع از منافع زحمتکشان را برافراشت و هرگز بر زمین ننگداشت، دوش به دوش سایر نیروهای ملی و آزادیخواه در این انقلاب شرکت کرد. حزب توده ایران بدون تزلزل تمام نیروی خود را درجهت پشتیبانی از رهبری قاطع امام خمینی و در راه تحکیم و گسترش اتحاد همه نیروهای انقلابی، به‌ویژه نیروهای انقلابی که زیر پرچم مذهب مبارزه می‌کردند، با نیروهای راستین چپ به کار انداخت. حزب توده ایران با هرگونه تفرقه‌اندازی، چه از سوی چپ‌گرایان افراطی و چه از جانب راست‌گرایان انحصار طلب، مبارزه کرد و چهره کریه نفاق افکنان حرفه‌ای ضدانقلابی را، که زیر ماسک‌های «چپ» و راست در میان انقلابیون رخنه کرده و می‌کنند، افشا نمود.

پیروزی انقلاب ایران به مواضع دشمنان اصلی و واقعی میهن ما، یعنی امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم بین‌المللی و بازماندگان رژیم وابسته پهلوی ضربه سنگینی وارد ساخت و منافع آنان را در ایران و در منطقه از ریشه به‌خطر انداخت. این دشمنان زخم خورده، مولی از یاد نیاوردند مردم ایران، از همان آغاز، سرچشمه قدرت خلق را، که اتحاد همه نیروهای ملی و آزادیخواه در مبارزه بر ضد امپریالیسم وارث‌تاج بود، شناختند و تمام نیروی اهریمنی خود را برای خشکاندن این سرچشمه قدرت، برای متلاشی کردن این اتحاد، برای ایجاد تفرقه و نفاق در صفوف مبارزان راه استقلال و آزادی ایران، برای افروختن جنگ برادر کشی بین خلق‌های ایران به کار انداختند.

حزب توده ایران، با آموزشی که از درس‌های تاریخ میهن ما گرفته است و با شناخت درستی که از امپریالیسم و صهیونیسم دارد، این دسیسه‌ها و توطئه‌های ضد انقلابی را به‌موقع و بروشنی دید و بارها و بارها، طی نامه‌های سرگشاده و در نشریات خود، درباره خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند، زنده یاد. با کمال تأسف آنچه ما پیش‌بینی می‌کردیم، اینک صورت واقعی به‌خود گرفته است.

در چند هفته گذشته چرخشی جدی در سیاست داخلی کشور انجام گرفت و با این چرخش، جو جدیدی در زندگی سیاسی و اجتماعی میهن ما حکم فرما کرده است. آن آزادی که از جانب رهبری انقلاب، هم پیش از انقلاب و هم پس از پیروزی انقلاب، وعده داده می‌شد و در ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب تاحد زیادی مراعات می‌گردید، یکباره و به‌طور نگرانی‌آوری محدود و در برخی زمینه‌ها برچیده شد.

واقعیت اینست که این چرخش ناگهانی نبود. این چرخش نتیجه تحول تدریجی است که در ماه‌های اخیر در سیاست انجام می‌گرفت و محتوی آن عبارت بود از یک گرایش به‌راست در همه زمینه‌های سیاست داخلی، خارجی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی. محصول این گردش به‌راست و چرخش ناشی از آن رادر زمینه‌های گوناگون به‌صورت زیرین می‌توان دید:

۱. آزادی‌های فردی و اجتماعی

به‌طور کلی حمله به آزادی‌های فردی و اجتماعی، که در ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب محدود بود، با آغاز فعالیت انتخاباتی برای مجلس خبرگان شدت گرفت. گروه‌های بی - مسئولیت، که بوسیله افراتیون راست تهییز می‌شدند، در سراسر ایران نیروهای مخالف خود را مورد حمله قرار داده، با کتاب‌سوزی، تخریب و غارت مراکز فعالیت و ضرب و جرح آنها مانع از آن می‌شدند که این نیروها بتوانند از آزادی‌های اعلام شده به‌وسیله رهبری انقلاب برای توضیح نظریات خود به مردم، استفاده کنند. ساواکی‌ها و سایر عمال ضدانقلاب هم این فرصت را غنیمت شمردند و در صفوف حمله‌کنندگان رخنه کردند و در بسیاری از موارد رهبری عملیات آنان را برعهده گرفتند. به‌ویژه سازمان‌ها و کتابفروشی‌های حزب توده ایران و دفاتر «مردم» ارگان مرکزی حزب و

فعالین حزب در جریان تبلیغات انتخاباتی و همچنین رای‌دهندگان بسود کاندیداهای حزب توده ایران. وسایر گروه‌های ملی و آزادیخواه هدف این حملات بودند. این حمله با توقیف بسیاری از روزنامه‌ها باوج خود رسید. دادستان انقلاب مرکز، به موازات توقیف برخی از نشریاتی که در گذشته به‌رژیم سرنگون شده پهلوی وابستگی داشتند، کلیه روزنامه‌ها و نشریاتی را نیز که مطابق سلیقه و سیاست افراتیون راست نبود، توقیف کرد. در مورد حزب توده ایران دادستان از این هم فراتر رفت و دبیرخانه مرکزی حزب را هم مهر و موم نمود. به‌پیروی از این تصمیم نادرست و غیرعادلانه، که هیچ‌گونه دلیلی برای آن وجود نداشت، در شهرستان‌ها نیز هجوم گروه‌های تحریک شده به سازمان‌های حزب، و مراکز فروش نشریات ما و دفاتر «مردم» آغاز شد و تا آنجا پیش رفت که در کرمانشاه دو نفر از اعضای حزب توده ایران، رفقا آذرنوش مهدویان و شیانی و همچنین مبارز سرشناس گرجی یانی، که مطلقاً ارتباطی با حوادثی که در کردستان می‌گذشت، نداشتند، بازداشت و پس از چند ساعت، بدون محاکمه اعدام شدند. این افراد از خوشنام‌ترین جوانان مبارز کرمانشاه بودند. در مورد آذرنوش مهدویان، تنها افترازی صاحب محلی که او برای دبیرخانه سازمان جوانان و دانش - جوانان دمکرات ایران که کوچکترین ارتباطی با حوادث پاره و کردستان نداشته است کرایه کرده، کافی بوده است تا حاکم شرع، بدون کوچکترین رسیدگی، حکم اعدام او را صادر کند. در قصر شیرین، شیراز، اصفهان، رشت، تبریز، مشهد و بسیاری از شهرهای دیگر مراکز حزب، مورد هجوم و تخریب و آتش‌سوزی قرار گرفت و هیچ مرجعی هم تاکنون به شکایات مادر این زمینه رسیدگی نکرده است. در همان حال، علیرغم دستورات مکرر امام در زمینه آزاد گذاشتن فروش کتاب و نشریات، دادستان انقلاب مرکز به‌جای پانزده تعطیل و توقیف آن‌ها - اخطار کرده است که از چاپ «کتاب ضاله» خودداری کنند، بدون آنکه توضیح دهد که «کتاب ضاله» کدامند و معیار «ضاله» بودن چیست؟ در ارتباط با این بخشنامه، روزنامه انقلاب اسلامی، در مقاله‌ای زیر عنوان بسیار گویا و پر معنای «کتاب و نشریات مقصره! افهی خطرناکی که باز سر بلند می‌کند» خطاب به دادستان انقلاب مرکز نوشت:

«شمارا یخدا و همه مقدسات عالم قسم، بدانید که شما قبل از هر چیز مدافع اسلامید و اسلام نزد دوست و دشمن به عنوان دین آزادی نشر شناخته شده و ما افتخار می‌کنیم در دامان فرهنگی پرورش یافته‌ایم که از واقلم و ما بسطرون سیراب شده است. به دشمن بپانه ندهیم. مردم را عاقل و بالغ فرض کنیم و خدای نخواست از خود سلب لیاقت پیروی از آن که می‌گوید «انا مدینه‌العلم و علی بابها» نکنیم.»

مطلب به‌اندازه کافی گویاست. ولی تکلیف مردم چیست؟ دل خود را به دفاع روزنامه انقلاب اسلامی از آزادی نشریات و آزادی نشر افکار و عقاید در جمهوری اسلامی خوش کنند و یا بخشنامه‌های دادستان انقلاب مرکز را مبنای کار خود قرار دهند؟ باید به روشنی گفت که اقداماتی از این قبیل باآمال و آرزوهای توده‌های میلیونی مردم میهن ما، که برای آزاد شدن از یوغ استبداد منفور و جنایت‌بار شاهنشاهی به‌پا خاستند و برای دگرگونی‌های انقلابی در همه شئون زندگی اجتماعی نبرد کردند و در این راه ده‌ها هزار شهید برجای گذاشتند، آشکارا مغایرت دارد. باید به روشنی گفت که این اقدامات با همه وعده‌های رهبر انقلاب، امام خمینی، در زمینه تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی - به‌استثناء آزادی توطئه - آشکارا مغایرت دارد. با این اقدامات ممکن است آرامش ظاهری را در کشور برقرار ساخت، ولی آرامش واقعی که متکی به اتحاد آگاهانه و داوطلبانه همه نیروهای باشد که هوادار تثبیت و تحکیم گسترش دست‌آوردهای انقلاب تاریخی مردم میهن ما هستند، هرگز از این راه به دست نخواهد آمد.

محدود کردن آزادی عقیده، بیان و انتقاد، بستن زبان مبارزان راستین و هواداران واقعی انقلاب موجب میشود که فساد در دستگاه حاکمه به سرعت رشد کند. تظاهر گروهی از روحانیان مبارز اصفهان علیه آراء دادگاه‌های مخصوص رسیدگی به جرائم روحانیان، بیداریش دردناکی است که گوشه‌ای از آنچه را که در انتظار مردم ایران است - در صورتی که آزادی عقیده، بیان و انتقاد سرکوب شود - نشان می‌دهد. هم‌اکنون در همه محافل از رشوه‌گیری‌های کلان در بسیاری از مقامات رسیدگی به جرائم وابستگان به رژیم سابق گفت‌وگو است. محدود کردن آزادی به منزله باز کردن زنجیر اذیت و پوی گرگ‌های فساد در همه زمینه‌هاست.

۲. حوادث دردناک کردستان

حوادث اخیر کردستان ظاهراً بطور غیرمنتظره، به دنبال حادثه پاره، که بدون شک دست‌های ناپاک عمال امپریالیسم و صهیونیسم در آن خالت داشته‌اند، روی داد. ولی در واقع جریان به مراتب عمیق‌تر از آن است که در سطح دیده می‌شود.

مسلم است که با پیروزی انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم مواضع بسیار مهمی را در منطقه اذیت دادند. برای بازگرفتن این مواضع، این دشمنان اصلی و واقعی مردم ایران از همان لحظه پیروزی انقلاب - و شاید مدت‌ها پیش از آن - کوشیدند تا از دوره‌ای که یکی از راه‌نویز دادن عمال خود در کردستان و دیگری از راه عمال و هواداران خود در دستگاه دولتی و مراجع قدرت، خواست طبیعی و عادلانه خلق کرد در مورد خودمختاری اداری و فرهنگی در چارچوب وحدت ملی، تمامیت ارضی و انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران را به‌صورت یک تضاد آشفتنی ناپذیر در آورند. در این‌جا تنها یک نمونه از عواقب شوم این سیاست جنایت‌بار را یاد آور می‌شویم: جنایت قارنا. روزنامه انقلاب اسلامی در مقاله شماره ۲۱ شهریور ۱۳۵۸ خود زیر عنوان «در سوسک قارنا» نوشته است:

«در میان نابآوری و بهت خبر شدیم که به دهی گردنشین حمله و عده بسیاری را قتل‌عام کرده‌اند. قتل‌عام زن و کودک و پیر مرد بی‌دفاع! روشن است که این گونه جنایات تنها به دست عمال امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده پهلوی صورت می‌گیرد، که اینک زیر پرچم دروغین «دفاع از اسلام» مردم مسلمان بی‌دفاع را قتل‌عام می‌کنند. اعدام بی‌گناهان در کرمانشاه، قتل‌عام در قارنا و ده‌ها حادثه غم‌انگیز و «بست‌انگیز» و «باورنکردنی» دیگر، نخستین میوه‌های تلخ و مسموم کننده درخت انحصارطلبی و اولین نتایج دردناک و خطرناک سرکوب آزادی است.»

حزب توده ایران سخنان مجاهد فراموش‌نشده، آیت‌الله طالقانی، را در خطبه نماز روز ۱۶ شهریور ۱۳۵۸ در این زمینه کاملاً تأیید می‌کند. وی گفت:

«در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد، اگر ما به‌جای پس‌گیری پیش‌گیری می‌کردیم، اگر آن وقتی که من به سندیج رفته بودم با دوستانمان، عمل می‌کردیم، در حفظ رحمت و در بر تو رحمت، با این‌ها تماس می‌گرفتیم و بندها را از این‌ها برمی - داشتند، بندهائی که از طرف رژیم به آن‌ها تحمیل شده و آنچه که رژیم غدار طاغوت به آن‌ها تحمیل کرده بود، شاید این مسائل پیش نمی‌آمد و یا کم‌تر پیش می‌آمد»

در حوادث کردستان تاکنون صدها نفر از مردم زحمتکش شهر و روستا، که اکثریتشان کوچک‌ترین دخالتی در این حوادث نداشته‌اند، به خاک و خون غلطیده‌اند، هزاران نفر از خانه و کاشانه آواره شده‌اند و ده‌ها نفر بدون کوچک‌ترین جرمی اعدام گردیده‌اند. ظاهراً آرامش برقرار شده است. ولی تاریخ صد ساله اخیر جنبش - های ملی در سراسر جهان و در همین کشور ما ایران، ده‌ها و ده‌ها بار نشان داده است که با این گونه «آرامش‌ها» و بی‌تعلیقات پرسروصدای هواداران این گونه «آرامش‌ها»، مسئله خلق کرد و مسائل نظیر آن در سراسر ایران حل نخواهد شد. تنها زخم دردناک تازه‌ای به زخم‌های موجود افزوده شده است. اگر در راه بر آوردن خواست‌های به‌حق کارگران و زحمتکشان ایران و دهقانان محروم ایران، در راه پایان دادن به محرومیت‌های ملی خلق‌های غیر فارس در چهار گوشه کشور ما، گام‌های مؤثر و امید بخش برداشته نشود، با کشتن، اعدام، تبعید، زندان، اخراج، با بمب آتش‌زا و بمب افکن فانتوم و هلیکوپتر کبرا می‌توان موقتاً آرامش گورستان را برقرار کرد، ولی دردهای اجتماعی را نمی‌توان درمان نمود.

در حوادث کردستان، با نتایج دردناکش، نکته‌های تاریک بسیاری وجود دارد که توجه به آن‌ها شایان اهمیت است. و همین نکات تاریک است که نگرانی هواداران راستین انقلاب ایران را دوچندان می‌کند. این نکات تاریک تا آن حد است که حتی در ارزیابی عالی‌ترین مقامات مسئول اختلاف جدی دیده می‌شود. مثلاً آقای وزیر کار با صراحت اظهار داشته است که در مورد کردستان گزارش‌های دروغ به امام داده شده است. آقای نخست‌وزیر هم در سخنرانی تلویزیونی خود اشاره‌ای در همین زمینه در مورد حوادث سقز و یا سندیج داشته است. روزنامه کیهان انگلیسی، که زیر نظر جناح معینی از هیئت حاکمه کنونی منتشر می‌شود، بدون هیچ دلیلی اتحاد شوروی را متهم کرده است که در کردستان اسلحه پخش کرده است. هفته‌نامه «زن روز» هم، که از همان بقیه در صفحه بعد

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره وضع کنونی کشور

بقیه از صفحه ۲

دستگاه «کیهان» بیرون می آید، بامیروانی همین اتهام راکتار کرده است. درحالی که آقای پروفیسور مکری، سفیر کبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی، ضمن تاکید دخالت مسلم صهیونیسم در ایجاد حوادث کردستان، صریحا اعلام می دارد که برای دخالت اتحاد شوروی در حوادث کردستان هیچ گونه دلیلی وجود ندارد. همه این ها گویای این واقعیت است که هدف عمده امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، که از دوطرف کوشیدند مسئله کردستان را به برادر کشی بکشاند، این بوده است که با صحنه سازی و دروغ پردازی، با کمک عمالشان در رسانه های گروهی دولتی و غیر دولتی، سمت گیری انقلاب ایران را، که به طور روشن علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و کارگزاران ایرانی آن ها بود، تغییر جهت داده، مردم را متوجه یک دشمن خیالی به نام «کمونیسم» سازند و سرانجام شعار «مک بر سه مفسدین - کارت و سادات و بکین» را از صحنه سیاست ایران خارج کنند و آن را با شعار گمراه کننده و تفرقه اندازانه «اسلام پیروز است - چه نابود است» جانفین سازند. خلاصه آن که برتن گرگهای درنده آمریکائی و صهیونیستی لباس بره بپوشانند و نیروهای چپ وفادار به انقلاب را، که ده ها سال است با مبارزه خستگی ناپذیر خود و بهای تبعد و زندان و شکنجه و مرگ از استقلال و آزادی و تمامیت ارضی و منافع توده های میلیونی محرومان جامعه ما دفاع کرده اند، مورد هجوم قرار دهند و قلع و قمع کنند. باید گفت که امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و کارگزاران ایرانی آن ها، در لحظه کنونی، به یکی از مهم ترین هدف های استراتژیک خود، یعنی ایجاد شکافی عمیق در جنبه متحد نیروهای ملی، جبهه ای که انقلاب تاریخی مردم ایران را به پیروزی رساند، ناقل آمده اند.

۴- جریان بازسازی ارتش و سایر نیروهای انتظامی - تشدید گرایش برای احیاء نزدیکی و وابستگی به امپریالیسم آمریکا

یکی از مهم ترین پی آمدهای تحول دوران اخیر و چرخش کنونی رادرجریان بازسازی ارتش و سایر نیروهای انتظامی می توان دید. از همان آغاز انقلاب، دوتنظ برای بازسازی ارتش - دقیق تر - برای ایجاد ارتش جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد. نظر هواداران راستین انقلاب این بود که «ارتش شاهنشاهی» که تنها به منظور سرکوب جنبش خلق و ایفاء نقش ژاندارم منطقه به وجود آمده، تربیت یافته و مسلح شده است، نمی تواند به عنوان ارتش خلقی جمهوری اسلامی ایران تغییر شکل پیدا کند. تنها به خانه فرستادن چند سرتیپ و سرلشکر نمی توان «ارتش شاهنشاهی» را به ارتش خلقی تبدیل ساخت. باید ارتش را به طور بنیادی تجدید سازمان کرد و پیش از هر چیز آن را از همه سرسپردگان رژیم گذشته در همه مراتب پاک سازی نمود. کسانی هم بودند و هستند که با نقشه سرکوب مبارزات آینده توده های میلیونی زحمتکش شهر و روستا برای خواست هایشان، می کوشیدند و می کوشند «ارتش شاهنشاهی» را هر چه زودتر به همان شکل سابق بازسازی کنند و حتی وابستگی آن را به امپریالیسم آمریکا، از لحاظ سازوبرگ و جنگ افزار و مستشارها دوباره احیا کنند.

این کوشش در ماه های اخیر بصورت مبارزه مخفی دو جریان در مقامات حاکمه کشور مشهود بود. این برخورد دوتنظریه در روزنامه انقلاب اسلامی، که مسلما از جریانات پشت پرده مطلع است، بازتاب یافت. این روزنامه، در سلسله مقالاتی زیر عنوان «انقلاب امام» از جمله درباره بازگرداندن مستشاران آمریکائی موضع گیری نموده و نتیجه گیری کرد که:

«بامطالبی که در بالا عنوان شد، آیا این دلیل که چون خرج زیادی برای خرید این سلاحها شده است، باید کارشناسان، آنها را با حقوق های گزاف باشند، دلیل موجهی است؟ این ها خطراتی هستند که وجود این کارشناسان برای کشور ما دارند. بدولت است که مسائل را برای همه مردم روشن کرده و پیش از این آنها را در ابهام نگذارد.»

جریان بازسازی ارتش بر مبنای کهنه، یعنی احیاء وابستگی گذشته به امپریالیسم آمریکا، جزئی از مجموعه تلاش هایی است که از طرف محافل امپریالیستی آمریکا برای بازگرداندن وضع گذشته، بدست هواداران نزدیکی به سیاست آمریکا، بعمل می آید. این سؤال پیش می آید که: آیا تدارک حوادث کردستان و دادن گزارشهای دروغ به امام خمینی (به گفته آقای وزیر کار) و تهیه گزارشهای رنگارنگ دیگر از جانب سایر مقامات دولتی، همه برای رسیدن به همان هدف اصلی، یعنی زمینه سازی برای توجیه لزوم احیاء وابستگی سیاسی و نظامی به امپریالیسم آمریکا نبوده و نیست؟ در همین زمینه، این نگرانی هم بوجود می آید که: آیا برای تقویت همین توجیه، در آینده بازم توطئه های دیگری ترتیب داده نخواهد شد؟ به نظر ما احتمال زیاد باید در انتظار چنین توطئه هایی بود.

این پرسش پیش می آید که: چرا برنامه تصفیه ارتش از عناصر سرسپرده به رژیم سرنگون شده، هنوز موقوع اجرا در نیامده است؟ این پرسش پیش می آید که: با وجود پیوستن رسمی ایران به جرگه کشورهای غیرمتحد، چرا هنوز قرارداد ننگین دو جانبه نظامی ایران و آمریکا لغو نشده و از سوی چه نیروها و عواملی با تمام قوا در نگهداری آن کوشش بعمل می آید؟ و بالاخره این پرسش پیش می آید: آیا همه پدیده های نام برده در بالا اجزاء یک دسیسه خطرناک امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم علیه انقلاب ایران نیستند؟ تاریخ نزدیک به چهل سال اخیر مبین مابسیاری از کشورهای جهان، ده ها بار نظایر این گونه دسیسه ها را در برابر مردم جهان به نمایش گذارده است.

۵- گرایش به راست و چرخش انجام گرفته، در درجه اول پی آمد تشدید مبارزه طبقاتی است

همان طور که امام خمینی بارها باروشنی اعلام داشته اند، محرومان شهر و روستا، کارگران، دهقانان، دانش جویان، دانش آموزان، کسبه خرده پا و بازاریان، یعنی گروه عظیم و ده ها میلیونی همه خلق های ایران قیام کردند علیه استبداد، علیه غارتگری و وابستگی به امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست ها، برای رسیدن به خواست های حقه خود، یعنی استقلال ملی، آزادی، عدالت اجتماعی، برای پایان دادن به فقر و بیسوادی و... یعنی همه آن چیزهایی که جمهوری اسلامی به آن ها وعده می داد. روشن است که بر آوردن این خواست ها، منافع امپریالیست ها و طبقات حاکمه وابسته، یعنی سرمایه داران بزرگ و زمینداران کلان را نافی می کند و سودجویی و غارتگری عناصر طفیلی را بمیزان زیادی

محدود میسازد. یعنی بطور طبیعی، پس از پیروزی انقلاب، نبرد طبقاتی درمی گیرد و هر روز شدت پیدا می کند. در گزارش هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم ۱۶ کمیته مرکزی (اسفندماه ۱۳۵۷) به روشنی گفته شده است:

«جنبش ما با مسائل بفرنجی روبرو است. امپریالیسم و ارتجاع ایران، که هنوز سنگرهای مهمی را در دستگاه دولتی و در کادر فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و بویژه در اقتصاد کشور در دست دارند، امروز نقاب تازه بر چهره زده و از در آشتی با جنبش در آمده اند، تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جایزند و اهرم های فرمان را در دست گیرند و روز دیگر دوباره بایک توطئه خائنه جنبش را غافلگیر کرده سرکوب نمایند. مسلم است که بورژوازی لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بود، می کوشد جنبش را در چارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاهدارد و جنبه های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید. تجربه همه انقلاب ها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواست های طبقات و قشرهای محروم جامعه، بورژوازی لیبرال حاضر شده است از انقلاب روبرو گرداند و با باقی مانده های نیروهای ضد انقلابی سازش کند و آنرا برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکش به کار اندازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی مبین ماهم همین پدیده ها ریشه کند.»

در نتیجه فرار غارتگران کلان و مقاومت سرمایه داران بزرگ و زمین خواران، شورای انقلاب و دولت موقت بر آن شدند که با اتخاذ یک رشته تصمیمات، خرابکاری این غارتگران را خنثی سازند. ملی کردن بانک ها، ملی کردن شرکت های بیمه، ملی کردن صنایع کلیدی و تأسیسات بزرگ متعلق به وابستگان رژیم سرنگون شده، مصادره باقی مانده اموال خاندان پهلوی و وابستگان درجه اول به رژیم سابق در مقابل بدی چند میلیاردی آنان به بانک ها، تدارک مقدمات سلب مالکیت از زمین های موات شهری و برخی دیگر از این گونه تصمیمات ضروری که متأسفانه خیلی دیر گرفته شد، بطور کلی مفید بودند و در صورت اجرای دقیق و بی خدشه مؤثر خواهند بود. ولی علیرغم این تصمیمات و با این که سرمایه داری بزرگ زخم برداشته، ولی از پای در نیامده است و با امکانات عظیمی که دارد، هنوز فعالانه می کوشد تا مواضع خود را حفظ کند و مواضع از دست رفته را دوباره بدست آورد. این قشر، بوسیله کارگزاران خود در تمام دستگاه های دولتی و اقتصادی و حتی در مقامات بالائی قدرت، می کوشد از راه های گوناگون چوب لای چرخ بازسازی و نوسازی اقتصاد کشور بگذارد. امپریالیست ها هم با تمام امکاناتشان از این سیاست پشتیبانی می کنند. این قشر، با نفوذ و یاکمک باقی مانده قدرت مالی عظیم خود و با بهره گیری از امکانات زیادی که در دستگاه های تبلیغاتی و اجرایی دارد، می کوشد این طور صحنه سازی کند که گویا زحمتکشان مقصر اصلی در ادامه وضع بحرانی کنونی هستند و برای از بین بردن بحران باید به محدودیت های جدی در زمینه حقوق صنعتی و اجتماعی و سیاسی زحمتکشان دست زد و به خواست های به حق آنان با اعمال زور، اخراج و حتی زندان پاسخ داد.

بدون شك در صورتی که دولت موقت نتواند و یا نخواهد ریشه اصلی مشکلات کنونی را، که در آزادی همچنان بی بند و بار سرمایه داری و زمین داری بزرگ وابسته است، بخشکاند، نخواهد توانست بر این مشکلات غلبه کند. خشکاندن این ریشه ها هم تنها تنها از این راه ممکن است که دولت به توده های زحمتکش شهر و روستا تکیه کند و خواست های به حق آنان را بر آورد.

دولت باید در بخش تولید صنعتی اداره واحدهای ملی شده را به شورای انتخابی از کارگران و مهندسان و کارمندان اداری، که با اختیار و با مسئولیت باشند و از کمک های مادی دولت برخوردار گردند، واگذار کند. دولت باید در این راه از تمام نیروی کار موجود جامعه، که وفادار به انقلاب اند، صرف نظر از موضع گیری های سیاسی و ایدئولوژیک آنان، استفاده کند. اخراج کارگران و مهندسان به اتهام «چپ بودن»، که در هفته ها و روزهای اخیر در بسیاری از کارخانه های ایران از طرف راست گرایان انحصار طلب صورت می گیرد، خطری بزرگ در بر دارد. این اقدامات بازتاب این واقعیت اجتماعی است که سرمایه داری متوسط و کوچک خرده بورژوازی مرفه، در مقابل مطرح شدن خواست های حقه زحمتکش و محرومان شهر و روستا مقاومت بخارج میدهند و بر آوردن کامل این خواست ها را مخالف منافع خود میدانند و می کوشند بر آوردن این خواست ها در چارچوب حداقل ممکن محدود سازند. به همین جهت آنان هوادار مشت محکم، تمرکز قدرت، انحصار قدرت اند و به سازش با سایر نیروهای ضد زحمتکش گرایش نشان می دهند. ولی همان طور که مجاهد فقید آیت الله طالقانی با صراحت می گفت، مردم زحمتکش ما، از انقلابی که با خون هزاران نفر از خواهران و برادران خویش به پیروزی رسانده اند، انتظارات به حقی دارند. کارگران شهر، که بخش مهمی از آنان در حصار آباد ها، حلی آبادها، زور آبادها و زاغه ها زندگی رقت باری را می گذرانند، می خواهند که انقلاب ایران شرایط زندگی دشوار و طاقت فرسای آنان را بطور بنیادی بهبود بخشد و از شدت غارتگری و استثمار بکاهد. آنان برای سکونت خانواده خود مسکن، برای آموزش فرزندان خود مدرسه، برای سلامت خود و خانواده پزشک و دارو و برای زندگی درآمد بیشتر و نان و آب ارزان تر می خواهند. دهقانان بی زمین و کم زمین می خواهند که ابتدائی ترین وسیله برای ادامه حیات، یعنی زمین و آب و کود و اعتبار و... در اختیار بقیه در صفحه بعد

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره وضع کنونی کشور

بقیه از صفحه ۴

آنان گذاشته شود. این خواست تنها با انجام اصلاحات ارضی و بنیادی و خلقی و پیش گرفتن سیاست پشتیبانی همه جانبه از منافع دهقانان زحمتکش می تواند برآورده شود. میلیون ها دهقان در روستاهای عقب مانده، مدرسه و پزشک و دارو می طلبند.

درست است که بر آوردن این خواست ها، با مشکلات عظیمی که به برکت سیاست غارتگرانه و ضد ملی رژیم پهلوی به ارث رسیده - و خرابکاری بازماندگان رژیم سرنگون شده آنرا تشدید می کند - در مدت کوتاه میسر نیست. ولی آنچه مهم است و می تواند توده های میلیونی زحمتکش را با نشان دادن صبر و حوصله، به کار خلاق بکشد، سمت گیری قانع کننده دولت در جهت بر آوردن این خواستهاست. زحمتکشان درک نیرومندی دارند و خیلی زود متوجه میشوند که سمت گیری اساسی دولت و مقامات حاکمه در جهت تامین خواست های به حق آنان است یا در جهت مخالف آن. زحمتکشان، که با گوشت و پوست خود هر روز استثمار را حس می کنند، بخوبی درمی یابند که آیا دولت جمهوری اسلامی برای بر انداختن استثمار گام بر میدارد یا آن که در صدد است لباس تازه ای برای همان استثمار گذشته بدوزد. زحمتکشان اگر احساس کنند که مقامات حاکمه در راه تخفیف بنیادی استثمار و با سمت گیری به سوی پایان دادن به استثمار - در عمل و نه در حرف - گام بر می دارند، با تمام نیروی خود از آن پشتیبانی خواهند کرد. با وعده های بدون پشتوانه واقعی و یا با کمک اقدامات انضباطی شدید و یا اعمال زور ممکن است زحمتکشان را برای مدتی در گمراهی و یا بی حرکتی نگاه داشت. ولی این موقتی است. بالاخره تلاش برای رسیدن به حقوق حقه، هر جداری را، هر قدر محکم باشد، خواهد ترکند و از راهی بیرون خواهد آمد.

تاریخ همین چند سال اخیر کشور ما به بهترین وجهی این حقیقت بارها تأیید شده تاریخی را به اثبات رسانیده است. تنها وقتی از راه بهبود بنیادی وضع زندگی و بر آوردن خواست های عادلانه و منطقی کارگران و تاین سکین و بهداشت و فرهنگ برای همه زحمتکشان و محرومان، از راه واگذاری زمین و آب و کود و اعتبار و... به میلیون ها روستائین بی زمین و کم زمین، با انجام زدن به غارتگری سودجویان، با محدود کردن مالکیت و سودبری سرمایه داران و زمین داران، با ریشه کن ساختن همه آثار تسلط امپریالیستی و استبداد سلطنتی در سیاست داخلی، در اقتصاد و فرهنگ، در سیاست امنیتی و خارجی، در زمینه حقوق ملی خلق های ایران می توان استقلال و آزادی را تأمین کرد، وحدت ملی و تمامیت ارضی را حفظ نمود و با گام های فرسنگی بسوی عدالت واقعی و پیشرفت اجتماعی رفت.

فردا چه خواهد شد؟

از ما می پرسند که آینده را چگونه می بینیم؟ آینده چگونه تکامل خواهد یافت؟ به نظر ما برای این پرسش، هنوز پاسخ یکنانه ای نمی توان داد. زیرا هنوز در درون هیئت حاکمه و در درون توده های میلیونی مردم، مسئله گرایش انقلاب، راه قطعی، نهائی و یگانه خود را نیافته است. درست است که اکثریت سنگین و تعیین کننده مردم هواداران انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی هستند. ولی هنوز چارچوب این انقلاب اسلامی و بازتاب دقیق و مشخص آن در هیچیک از زمینه های سیاسی داخلی، سیاست خارجی، سیاست اقتصادی، آزادی ها و حقوق دمکراتیک، حقوق ملی، حقوق زنان و... روشن نشده است. هنوز بین جناح های مختلف هیئت حاکمه کنونی ایران، که همه رهبری گفت و گو ناپذیر امام خمینی را در حرف می پذیرند، بر سر عمده ترین مسائل حیاتی انقلاب ایران نه تنها اتفاق نظر و وحدت عمل وجود ندارد، بلکه واقعیت حاکی از وجود اختلاف نظر و عمل شدید در بین این جناح ها است.

این اختلاف نظر و عمل میان هواداران تاملین خواست های حقه توده های زحمتکش شهر و روستا و مدافعین منافع سرمایه داران و زمین داران بزرگ، میان جناح افراطی و قشری مذهبی و جناح دیگر مذهبی که واقعیات جهان امروز را در مدنظر دارد، میان گروه های راست گرای افراطی انحصار طلب، که حق زندگی برای مخالفان خود نمی شناسند، با گروه های لیبرال، که اسلام را دین آزادی عقاید می دانند، میان هواداران بی گریز استقلال ملی و بریدن هر گونه وابستگی به امپریالیسم مسلط آمریکا و صهیونیسم و آنان که - به هر انگیزه - همکاری با امپریالیسم را برای ایجاد جبهه «ضد کمونیستی» ضرور می شمارند، میان هواداران تجدید سازمان ارتش «نیرومند» و پلیس و ژاندارمری و امنیت بر کرده نیروهای انتظامی رژیم سرنگون شده و طرفداران ایجاد ارتش مردمی و خلقی و ضد امپریالیستی در حال تکوین است. با آن که در ماه ها و روزه ها در هفته های اخیر نیروهای راست گرا، در همه زمینه ها موفقیت های چشم گیری بدست آورده اند و مواضع خود را در مقابل نیروهای اعتدالی تر و خلقی تر محکم کرده اند، هنوز زود است گفته شود که چرخش به راست به طور بازگشت ناپذیری انجام یافته است.

این امکان هنوز وجود دارد که چرخشی که به راست انجام گرفته، در همین حد تثبیت شود و یا احتمالاً کمی به عقب برگردد. چون این امکان هنوز - اگرچه با احتمال کم - وجود دارد، باید نیروهای هوادار آزادی تمام امکانات خود را به کار اندازند و در این جهت، یعنی در جهت بازگرداندن آزادی های گذشته، به طور مؤثر عمل کنند.

مادچار خوش بینی زیاد نیستیم و معتقدیم که چرخش هفته های اخیر محصول برخورد آبی و احساساتی نیروهای حاکم به پیش آمدها و رویدادها نیست و در عمق تضادهای عینی طبقاتی جامعه، ریشه دارد. ولی معذرت ما اینست که نباید هیچ امکانی را از دست داد که بتواند برترمز کردن این چرخش به راست کمک کند. باید با تمام نیرو مانع از آن شد که نیروهای انحصار طلب راست گرا موفق شوند با حادثه آفرینی، رهبری انقلاب را در جهت بازمی گشتن محدود کردن آزادی های فردی و اجتماعی و جادادن همه حقوق اجتماعی در چارچوب درک قشریون راست گرا، تحت تأثیر خود قرار دهند. چنین خطری به طور عینی وجود دارد، تا آن جا که روزنامه انقلاب اسلامی، در شماره ۲۲ شهریورماه ۱۳۵۸ خود، در مقاله مهمی زیر عنوان گویای «زمینه های رشد دیکتاتوری» بیداریش میدهد و می نویسد:

«همیشه رشد دیکتاتوری از سوء نیت رهبران ناشی نمی شود، بلکه بسیار اتفاق افتاده که عده ای در کمال حسن نیت زمینه های رشد استبداد را فراهم می کنند و بتدریج مبانی فکری بشری و نهادی جامعه (خانواده، قشون، دیوان سالاری، سازمان صداقت اطلاعات، احزاب، مجلس و غیره) را بعد از انقلاب دوباره، با شکل جدید و محتوی گذشته به وجود می آورند.»

ما این خطر را از همان لحظات اولیه جان گرفتن روش های انحصار طلبانه حمله به تظاهرات، روزنامه و کتابفروشیها و تهیه احساسات مردم مذهبی علیه نیروهای راستین انقلابی دیدیم و گوش زد کردیم. ما امروز هم این بغرنجی را می بینیم و درک می کنیم و بر آنیم که تنها با برخوردی خونسردانه، با بهره گیری عاقلانه از آزادی های محدود موجود و با سیاستی روشن در دو زمینه زیرین، می توان این گرایش به راست را ریز کرد و نقشه انحصار گران راست گرا را عقیم ساخت.

۱) مبارزه پی گیر و متحد همه نیروهای میهن دوست و آزادی خواه برای بازگرداندن آزادی های فردی و اجتماعی.

۲) پشتیبانی همه جانبه از مواضع ضد امپریالیستی و خلقی رهبری انقلاب و تلاش برای حفظ و تحکیم این مواضع در همان سمت گیری که امام خمینی پیش و پس از انقلاب ترسیم کرده بود.

در این زمینه ها نیروهای میهن دوست و آزادی خواه باید آنچنان عمل کنند که بهانه ای به نیروهای راست گرای افراطی و انحصار طلب داده نشود. این سیاست بویژه از آن جهت حائز اهمیت تاریخی است که هر گونه تحکیم مواضع و سمت گیری انحصار طلبان راست گرا، زمینه را برای پیشروی ضد انقلاب آماده می سازد.

ضد انقلاب - امپریالیسم و صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده، بازماندگان سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته و کارگزارانشان - از این گرایش به راست شادند و با تمام نیرو آتش اختلاف بین نیروهای ملی را دامن می زنند. آن ها خوب می دانند که تحکیم مواضع انحصار طلبان راست گرا به منزله پی ریزی بنای دیکتاتوری ضد انقلابی است. آن ها می گویند تا چرخش کنونی هر اندازه ممکن است پر دامنه تر گردد و نه تنها عرصه سیاست داخلی، بلکه در تمام شئون زندگی سیاسی و اجتماعی میهن ما گسترش یابد. تمام کوشش هواداران نزدیکی به سیاست امریکا، که ما لا به نزدیکی و سازش با صهیونیسم - متحد جدائی ناپذیر امپریالیسم امریکه - تمام خواهد شد، آگاهانه یا نا آگاهانه، در این جهت اثر می کند و به پی ریزی پایه های یک رژیم وابسته کمک می رساند.

امپریالیست های امریکائی و صهیونیست ها و یاران و کارگزارانشان در ایران تجربه کافی دارند و با توسل به ریا و تزویر می کوشند دسیسه های خطرناک خود را در پوسته ای از «دفاع از اسلام» در برابر «کمونیسم» و «دفاع از منافع مردم» در چارچوب کلمات بدون محتوی به خورد مردم دهند. آن ها حتی تا این حد پیش خواهند رفت که با فریادهای «امام خمینی رهبر ماست»، در عمل سیاستی را پیاده کنند که صد درصد مخالف آن چیزی است که امام خمینی تا کنون برای انقلاب اسلامی ایران ترسیم کرده است. آن ها خواهند کوشید که زیر پرچم «دفاع از شعائر اسلامی» و «مبارزه با منافقین»، ارتش را، بدون تصفیه از سرسپردگان رژیم شاه مخلوع بازسازی کنند و آن را به عنوان عمده ترین وسیله برای اجرای نقشه های شوم آینده خود نگهدارند.

ضد انقلاب در کمین نشسته است و از دیدن تشدید اختلاف در درون جبهه نیروهای ملی ابراز شادمانی می کند. وظیفه همه مبارزان راه استقلال ملی، آزادی و منافع خلق های ستمدیده و زحمتکش میهن ماست که با تمام نیرو راه را برای پیشروی ضد انقلاب غیر قابل عبور سازند. به این هدف تنها در صورت اقدام بی درنگ همه این نیروها در جهت اتحاد، تنظیم برنامه مشترک و برداشتن گام های مشترک در راه پیش بردن یک سیاست ملی، آزادی خواهانه و خلقی می توان دست یافت. تنها در سایه چنین اتحادی است که می توان دست آوردهای انقلاب تاریخی خلق های ایران را تثبیت و تحکیم کرد و آنرا گسترش داد.

آنچه امروز و در آینده دست آوردهای انقلاب ایران را تهدید می کند، دسیسه های امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ارتجاع «شاهنشاهی» وابسته به آن است. منحرف ساختن توجه خلق های انقلابی ایران از این خطر اصلی و واقعی، و لو تا آگاهانه باشد، کمکی است به پیشرفت دشمنان مردم ایران. ایجاد و دامن زدن به هر گونه تفرقه، بسود دشمنان اصلی و واقعی مردم ایران تمام می شود. سرکوب بخش مهمی از نیروهای انقلابی میهن ما به دست انحصار طلبان راست گرا زمینه را برای آن فراهم می سازد که فردا

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

«مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را با استفاده از تمام امکانات، بوسیله تشریح شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میهن پرورانه انقلابی است.

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشر در

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، هر چه تکیه به اینک نفرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تا کنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نا دقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بسیار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. با سپاس «مردم»

دوباره «زاهدی ها» و «سادات ها» و نظائر آنان، همان کسانی را که امروز «چپ ها» را سرکوب می کنند، زیر چکمه های خون آلود خود لگدمال کنند. تاریخ سی ساله گذشته میهن ما گویاترین شاهد بر این مدعا است.

دکتر مصدق و بسیاری از یارانش در «اوج قدرت و موفقیت» خود علیه امپریالیسم و دارو دسته «شاهنشاهی»، در روزهای ۲۸ تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، تصور نمی کردند که توطئه خائنانه ۲۸ مرداد در کمینشان نهشته است. آن ها تنها سرگرم آن بودند که چگونه ممکن است نیروهای توده ای را، که با تمام توانائی از آن پشتیبانی می کردند و خواستار اقدامات قاطع در جهت درهم شکستن امپریالیسم و ارتجاع سلطنتی بودند، سرکوب سازند.

با کمال تأسف تاریخ نشان میدهد که انحصار طلبان بینائی خود را خیلی زود از دست میدهند و خیلی زود مست قدرت می شوند. آنها فراموش میکنند که روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ هم میلیون ها نفر در سراسر ایران، با فریادهای خود رژیم منحوس شاه و پشتیبانان امریکائی و انگلیسی اش را محکوم کردند و از حکومت ملی دکتر مصدق حمایت نمودند. ولی این واقعتاً مانع آن نشد که ۲۴ ساعت بعد رژیم سیاه شاه فراری، به کمک سیاه آمریکا، دوباره در ایران مستقر گردد. این درس هنوز زنده تاریخ و درس های نظیر آن را در مصر و کشورهای نظیر ایران را فراموش نکنیم.

هموطنان! خطر ضد انقلاب، خطر عمده و خطر جدی است. تنها با اتحاد همه نیروهای ملی و آزادی خواه و هوادار خلق می توان این خطر را دفع کرد و سد عبور نکردهی در برابر ضد انقلاب برپا ساخت.

حزب توده ایران اکنون نزدیک به چهل سال است که علیه دشمن اصلی و واقعی مردم ایران، یعنی امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم مبارزه می کند و آنرا خوب میشناسد و بر پایه این شناخت دقیق از ماهیت و شیوه های عمل این دشمن خطرناک است که مصرا نه و با بی گری خواستار اتحاد همه نیرو های ضد امپریالیستی، آزادی خواه و خلقی است. حزب توده ایران بارها و بارها پیشنهاد های روشن خود را در این زمینه ارائه داشته و آمادگی خود را برای همکاری صمیمانه - بدون هیچگونه پیش داوری - با همه نیروهای انقلابی مدافع منافع خلق، با همه نیروهای ملی و آزادی خواه برای تشکیل جبهه متحد خلق اعلام کرده است. حزب توده ایران در اسفندماه سال ۱۳۵۷ پیشنهاد های روشن و همه جانبه خود را برای تنظیم برنامه مشترک چنین جبهه ای ارائه داده و آماده است هر پیشنهاد دیگری را که بتواند همکاری همه نیروهای انقلابی، ملی، آزادی خواه و خلقی را، صرف نظر از اعتقادات مسلکی و ایدئولوژیک، تأمین کند، پایه بحث قرار دهد.

ما بازم تأکید می کنیم: دشمن اصلی و خطرناک انقلاب ایران، امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی است. متحد شویم و این دشمن غدار، حيله گر، جنایت پیشه و غارتگر را از پیشروی باز داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ شهریورماه ۱۳۵۸

حل مساله کارگر

شعار انقلاب بود

عبدالمطلب اسهیدی، وزیر جدید کار و امور اجتماعی، در جلسه مبارزه با همکاران جدید خود گفت، مساله کارگر با مستضعفین مسا له ای است که شاید بشود گفت این تجربه به وحل کردن این مساله و حاکمیت اینها که شعار انقلاب و خواسته مردم بوده، ما و کسی دیگر نمی تواند متکثرش بشود.

وزیر جدید کار اضافه کرده، می توانم نقش خیلی عمده ای در جبران ستم هایی که بطور اعم به زحمتکشان ایران در طول سالیان و بالاخص به طبقه کارگر، به مستضعفین شده، داشته باشم.

او افزود: مسا ئل و مشکلاتی که جامعه با آن مواجه است، مثل همین بیکاری پنهان و آشکار، يك مساله ای هست که قبلا هم عرض کرده بودم به علت وابستگی هائی بوده که نظام اقتصادی و تولیدی ما به انحصارات خارجی داشته و هنوز دارد.

وزیر جدید کار گفت: «از نظر بنده مساله ایدئولوژی و اعتقادات سیاسی، مکتبی و مرامی به هیچ وجه مطرح نیست. حتی بنده در همین پنج شش ماهی که در گروه صنعتی شهریار، که تغییر نام پیدا کرد به گروه صنعتی فولاد ایران، کار می کردم، همکاران خیلی خوبی داشتم از هر قبول دسته فکری و استدلال بنده هم در مقابل فشار هائی که وارد میشد، در آنجا این بود که ما بعنوان واحد اقتصادی مسئولیت اقتصادی داریم. بحث مرامی و اختلاف سلیقه هر کس دارد، محترم و عزیز است، دلیلی ندارد که حرف ما همیشه بهترین حرف باشد.»

وزیر جدید کار اضافه کرد: بنا بر این بنده که در اینجا در خدمتتان هستم با همون دید به مسا ئل نگاه می کنم ، اعتقادات و سلیقه ها و آرمان های هر کس محترم، عزیز و از هر نظر قابل ستایش هست ، منتها بلحاظ اینکه هر واحدی باید سیاست عمومی و مشترک و هماهنگ داشته باشد تا در کارهای موفق بشود. بنده در برنامه هائی که خواهم داشت در هر قسمتی با کارشناسان و افرادی که تجارب گران هائی دارند، در حقیقت سرمایه های این کشور هستند، مشورت خواهم کرد. نظر خواهم پرسید. و ادعای ندارم که مساله ای را من بشناسم و لسی وقتی تصمیم گرفتم با مشورت هم دیگران، این تصمیمات باید قاطعانه اجرا شود چون غیر از این باشد حاکمیت دولت و حاکمیت ملی مفهوم خودش را از دست میدهد.

(کیهان - ۱۰ مهر)

در دانشگاه لبریز بین مسلمان و کمونیست تفاوت و تبعیضی نیست

دکتر باروقی، رئیس دانشگاه تبریز، که از سوی دانشگاهیان به این سمت انتخاب شده است ، گفت:

اینکه احتمال داده می شود در گری هائی پیش آید قطعی نیست. ندارد و من شخصاً به برخوردی اعتقادی ندارم و حتی اعتبار هم نمی دهم ولی با گروه های مختلف

صحبت شده است و آزادی اندیشه و بیان مورد تأیید من می باشد زیرا بشر آزاد خلق شده است و باید هم آزاد فکر کند اما رسالت دانشگاه نیز هرگز نباید فراموش شود و من هم که اینجا نشسته ام صاحب هر فکر و عقیده ای باشم صرفاً بخاطر هدایت دانشگاه آن را فراموش می کنم و به همین جهت نمی توانم بین مسلمان و کمونیست و دموکرات تفاوت و تبعیضی قائل شوم. وی افزود: من از گروه ها خواهش کردم که برخورد اندیشه و ایدئولوژی را به داخل دانشگاه نیاورند و با ترتیب دادن جلسه سخنرانی اگر معقول و منطقی باشد مخالفتی ندارم ولی البته جهت شخصی من اینست که بین گروه های مختلف شکافی یا برخوردی به آن کیفیت پیش نخواهد آمد و اگر بحث و گفتگویی هم پیش آید که حتماً هم پیش خواهد آمد در نهایت در داخل دانشگاه فقط با دخالت مدیریت دانشگاه حل خواهد شد که این دخالت نه به معنای طرفداری از گروه خاص یا طرد

توطئه های آمریکا در خلیج فارس

خلیج فارس این روزها شاهد تحولات سیاسی و نظامی شدیدی است که نشان از حرکت های تازه امپریالیسم در این منطقه دارد.

انقلاب اسلامی ملت ایران بسیاری از مداخله های امپریالیست ها را در منطقه بهم ریخت و در رأس آن آمریکا را با شکستی سخت روبرو کرد. ولی اگر تصور کنیم که در پی این شکست و اشنگتن به راحتی دست از منافع سرشارش برداشته است سخت در اشتباهیم. آمریکا در چند ماه اخیر برای آنکه بتواند به نحوی حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس حفظ کند، ابتدا با جنجال های تبلیغاتی احتمال بروز خطر یا خرابکاری در منطقه را به میان میکشد. (اتحاد بزرگ - ۱ مهر)

در مطبوعات کشور

باشد تا پرچم امپریالیسم از همه خاک ها زیر کشیده شود

شنبه گذشته پرچم آمریکا از حومه کانال پاناما به زیر کشیده شد. آمریکا سرانجام پس از سالها مبارزه مستمر مردم پاناما و فشار افکار عمومی جهان مجبور به ترک بخشی از کانال پاناما شد. اهالی پاناما با سرور پرچم امپریالیسم جهانخوار را به زیر کشیده اند. با شدت این پرچم از تمام خاک ها رخت بر بسته و وزیر کشیده شود.

(کیهان - ۱۰ مهر)

چگونه مشکل کردستان حل میشود

داریوش فروهر، اگر به قصد جنگ های صلیبی به کردستان نرویم، بی تردید مشکلات حل خواهد شد.

(اطلاعات - ۱۰ مهر)

حقیقت را نمی توان پنهان کرد

در برنامه رادیویی روز دوشنبه که مسا ئل آموزش و پرورش در آن مطرح می شود شخصی بسختی از پخش اظهارات چند دانش آموز در این برنامه که از تارسانی وضع آموزش و پرورش سخن گفته بودند و اظهار داشته بودند چرا بایستی در دوران انقلاب برای ثبت نام شهریه بپردازیم و اینکه امکانات آموزشی کافی در مدارس وجود ندارد و در دوران انقلاب بایستی با چنین وضعی روبرو باشیم انتقاد میکرد، شخصی انتقاد کننده که يك «فرهنگی» هم بود تهیه کننده و مجری آن برنامه را بخاطر پخش این حقایق ضد انقلابی خواند و مطالب اگر هم حقیقت باشد مصلحت نیست و نباید صورت گیرد گفت مطالبی از این قبیل جز ایجاد آشوب نتیجه دیگری ندارد. وقتی این سخنان را از رادیو شنیدم بناگاه بیاد دورانی افتادم که با همین استدلال ما را از نوشتن و گفتن باز می داشتند. بازگویی هر حقیقتی را ممنوع میکردند و هر تارسانی را زیر سرپوش قرار میدادند و بالاخره نتیجه چنان سیاسی آن شد که دیدیم و خروش همگانی مردم که نتیجه برآمده از این نارضایتها بود. شما چگونه آموزش دهنده ای هستید که نمی خواهید حداقل با

دفتر مردم گلباران شد...



رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران ، هنگام گشایش مجدد دفتر «مردم» ، در حالیکه دسته گلی از جانب اعضاء حزب دریافت میکنند .

بقیه از صفحه ۶

دفتر «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، استوار ترین و مستحکمترین سنگر زحمتکشان ایران از جانب مردم به گلستان تبدیل شده بود. عطر سکر آور گل های سرخ و میخک و گلایل فضای دفتر را انباشته بود. گل هائی استثنائی، که عطر انسانیت ، ایمان انقلابی، وفاداری و تجدید عهد به راه مردم و انقلاب میبیا کنند گل هائی که برای هر يك، دستانی لرزان از شوق پول جمع کرده، چشمانی مرطوب از شرف آن را بر گزیده، سینه هائی مالامال از عشق به مردم آنرا به آغوش کشیده و پاهائی استوار در مبارزه آنها را به مقصد رسانیده است.

آن گوشه، دسته گل زیبایی است که کارگران کفایش برای حزبشان آورده اند، با این پیام:

«سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را به رفقای حزبی، بویژه رفقای که سالگرد تأسیس حزب طبقه کارگر را در پشت میله های زندان شاه خائن جشن میگیرند، تبریک میگوئیم». در این گوشه، دسته گلی است که ۳۰ دختر دانش آموز از دبیرستان شرف آورده اند. در مدرسه خبر گشایش دفتر «مردم» را شنیده اند، به گل فروشی رفته و زیباترین و سرخ ترین گل را انتخاب کرده اند، بر آن پیامی ملهم از انسانی ترین احساسات خود نوشته اند، با همان روپوش عازم دفتر ارگان حزب خود شده اند، تا شادمانی نوجوانان آگاه کشور ما را بگوش حزب زحمتکشان برسانند و سی و هشتمین سالگرد تولدش را تهنیت بگویند.

«پرنده ای که بارها محض قفس کشیده - در راه هدای بس والا - هر بار، پس از رهائی، بیشتر اوج گیرد و بال و پر زند، چنین است حزب ما... نمی توان و نباید به آزادی، به عشق برای بودنشان شاد باش گفت، که این بی حرمتی است به حریم ایشان. اما می توان شاد بود، چون ما و پویانده تر در این راه».

آن گوشه، دسته گلی است که کارگران میل لادن آورده اند. دسته گل های هواداران حزب از «ها باد ، شهری و سمنان» با پیام های همبستگی و شادمانی اینجا و آنجا رخ می نماید . دسته گل دانشجویان هوادار حزب از انستیتو امور هنری در گوشه دیگری پیوند آگاهترین روشنفکران را با زحمتکشان پسادآوری میکند، با این پیام عهد و مودت:

«در آستانه سی و نهمین سال فعالیت حزب توده ایران ، سنگر آزادی و دژ مستحکم زحمتکشان گشوده شد... ضمن تبریک به تمام اعضاء کمیته مرکزی و تمام رفقا، باری دیگر آمادگی خویش را برای مبارزه در راه به ثمر رساندن اهداف انسانی حزب توده ایران اعلام میداریم.» اینجا و آنجا گل هائی است که هر يك عطر و بسو طراوت و شادابی خاص خود را دارد. این یکی را دانش آموزان دبیرستان جاویدان آورده اند، آن یکی هدیه دانش آموزان دبیرستان اخگر است و آن دیگر از آن دانش آموزان دبیرستان دانشگاه ملی .. خانم مستی به درون می آید. هنوز وارد نشده اشک شوق از دید گانش سرازیر میشود. میگوید:

«الان خبر دار شدم. گفتم اگر بروم سراغ گل فروشی ممکنست دیر بشود و دفتر را ببندید.» و ۷۵ تومان پول گل را به داخل صندوق می اندازد، آرزوی پیروزی میکند و در حالیکه چشمانش را پاک میکند، میرود . هنوز او بیرون نرفته، ناصح ۱۲ ساله وارد میشود، فروشنده روزنامه مردم و آذرخش در خیابان انقلاب و دانش آموز کلاس پنجم دبستان با همه دست میدهد و به همه تبریک میگوید. میخواهد رفیق کیانوری را ببیند تا حضوراً به او تبریک بگوید. ولی رفیق بدنبال کاری بیرون رفته است. به او وعده میدهند تا روز شنبه دوباره بیاید. چایک و چالاک میروند، در حالیکه یقه سفید روپوش مدرسه اش از پشت برق میزند.

چند تن از دانش آموزان هوادار حزب از شیراز به درون می آیند، از جانب نوجوانان شیرازی تبریک میگویند و ۲۷۷ تومان همراه يك شاخه گل سرخ، تقدیم میکنند و میروند.

عشق مردم به حزب و «مردم» تمامی ندارد. مردم گروه گروه همچنان می آیند. اکثر آشنایان به اشک می نشیند. یا پولی به صندوق می اندازند و یا دسته گلی به ارمغان تقدیم می کنند و سپس میروند. ولی گلها هر لحظه بیشتر و گلستان «مردم» هر لحظه فراختر میشود. عطر گلها راه سترگ و دشوار آینده را پسادآوری میکند، با پیام استواری و سازش ناپذیری. بر روی دیوار با میخک سرخ نقش زده اند.

زنده باد آزادی!

حقایق مربوط به کار خودتان آشنا شوید و برای آن درمانی لازم بیابید. این حرف صحیحی است که دانش آموزان قبل از انقلاب شهری ای نمی پرداختند و اکنون بایستی شهریه بپردازند شما آموزگار محترم قبل از اینکه پختی این حقیقت را محکوم کنید و به آن شاخ و برگ بی جهت بدهید خود و تشکیلات آموزشی خود را بایستی محکوم کنید استدلال شما برای نگفتن و نوشتن حقایق همانا سانسور بشکل کیفی و زشت آن است که عدم آن یکی از درخواست های هزاران کشته و هزاران «مملول» این نهضت است و چنانچه باز هم بخوایم با این منطق ضعیف از روبرو شدن با حقیقت دوری جوئیم پس چگونه و در چه زمانی بایستی حقیقت گفته شود و راه مقابله با نارسائی را در یابیم؟ امروز صحبت و سخنی را با بر حسب ضد انقلاب خفه میکنند و آنرا به گوشه ای می اندازند. «معاون دبیرستان» که متأسفانه نام خودشان را نیز نگفتند باید بدانند که نه تنها نباید به تهیه کننده برنامه و گفته های دانش آموزان مورد اشاره که به زعم ایشان جنبه آشوبگری داشته «انک» ضد انقلاب بزنند بلکه بایستی به این دوستان برای عملی که انجام داده اند آفرین و آفرین گفت که سخنان بسدون منطق ایشان را نیز پخش کردند.

جامعه امروز ما به آدمهائی نیاز دارد که بدون ترس از عواقب اینگونه «انکها» نارسائی ها را بگویند و بنویسند، تشکیلات آموزش و پرورش ما همانند تمام ارگان های دیگر با کسوفی از مشکلات روبرو است آیا بایستی حال که خود مسئولین قدم به جلو نمی گذارند و مطلبی را بازگو نمی کنند و برای انجام هر نوع گفتگو و آگاهی بیشتر دانش آموزان هزار و یک شرط را گرو میگذارند مردم و رسانه های گروهی حقایق را بگویند؟ (اتحاد بزرگ - ۱۰ مهر)

مسئله «آوارگان ویتنامی» هیوا ت سلطه سی ساله

استعمار در این سرزمین است فام وانگ دونگ، نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام، طی مصاحبه ای با روزنامه اتریشی «پرس» اظهار داشت: «مسئله آوارگان جنوب خاوری آسیا در نتیجه سلطه اشغال گران خارجی پدید آمده است و این مسئله اکنون با تحریکات آمریکا و حضور ناوگان هفتم آمریکا در این منطقه بفرسنگ تر میگردد.»

معلق شدن عضویت مصر

رادیو لیبی اطلاع داد که عضویت مصر در شورای مدیران با فکهای مرکزی کشورهای عربی به حال تعلیق در آمده است. این تصمیم به نشانه اعتراض به موافقتنامه کمپ دیوید، در کنفرانس مدیران این بانکها اتخاذ شده است.



بخش سوم نطق رفیق فیدل کاسترو در کنفرانس غیر متعهدانه در هاوانا

امریکای لاتین و سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم امریکا

ما با قطعیت پشتیبانی و همبستگی خود را نسبت به جنبش های رهایی بخش خلقهای این منطقه ابراز می‌داریم. خلق پورتوریکو درگیر مبارزات سرسختانه‌ای است در راه تحقق حق تعیین سرنوشت و استقلال و آزادی خود، که این مبارزات با مقاومت و تجاوزگری استعمارگران امپریالیستی مواجه است. خلق پورتوریکو نیز مانند خلقهای ژیبیا بوه، نامیبی، افریقای جنوبی، فلسطین و دیگر خلقها در معرض تجاوز و ستم امپریالیسم امریکاست. ما از خواست عادلانه مردم پاناما در برقراری حق حاکمیت ملی خود بر منطقه کانال پشیمانی و توطئه‌های امپریالیستی برضد پاناما را محکوم می‌کنیم. مبارزه استقلال طلبانه خلق بلیوی، که ارتجاع داخلی و رژیم دیکتاتوری گواتمالا - ساتراپ امپریالیسم در این کشور - آنرا سرکوب میکند، مورد پشتیبانی ماست. ما از کوششهای خلق بولیوی صمیمانه حمایت می‌کنیم، سرزمین این کشور بخاطر منافع آزمندانه امپریالیستهای امریکائی قطعه‌قطعه شده است. مبارزات این خلق بخاطر استقلال و آزادی، عادلانه و بحق است. ما با ادامه هرگونه استعمار در نیم کره خود مخالفیم و در راه لغو آن مبارزه می‌کنیم.

نیکاراگوای نوین برای نوسازی کشور به همکاری همه‌جانبه بین‌المللی نیازمند است. این کشور در نتیجه قریب نیم قرن سلطه سلسله‌مومزا، مولودتفنگداران دریائی امریکائی، به ویرانه‌ای تبدیل شده است.

کوبا نیز به همبستگی بین‌المللی نیاز دارد. کشور ما از عواقب محاصره اقتصادی جنایت‌آمیز امپریالیسم امریکا عذاب میکشد. این محاصره وحشیانه حتی فروش دارو را به کشور ما شامل میشود. بخشی از سرزمین کشور ما تاکنون هم در اشغال ارتش امریکاست ایالات متحد امریکا چه حقی دارد با وسائل گوناگون از رشد و توسعه میهن ما جلوگیری کند؟ آیا امریکا حق دارد بررغم تمایل و اراده خلق ما، در سرزمین کشور ما پایگاه نظامی داشته باشد؟

در تمام این مسائل و اختلافات، که موجب نگرانی خلقهاست، تنها یک قدرت متجاوز، یعنی امپریالیسم امریکا را میبینیم. آیا بیان صریح این واقعات را باید افراطی نامید؟

مسئله سر نوشت صلح و بیماریهای مزمن نظام سرمایه‌داری

با اینکه کشورهای کم‌رشدغنی نیستند و سطح تولید در آنها نسبتاً ناازل است و در صورت وقوع جنگ احتمال دارد کمتر از دیگران خسارت ببینند، اما آیامیتوانیم نسبت به سر نوشت صلح جهانی بی‌تفاوت باشیم؟ این بی‌تفاوتی بمثابه امتناع از امید به آینده بهتری است. ما با این عقیده، که جنگ جهانی هسته‌ای امریکاست ناگزیر، موافق نیستیم. یک چنین موضوعی، مسئولیت و آینده را به تقدیر سپردن، آسان‌ترین راه بسوی نابودی محتوم خلقها و در نتیجه فاجعه‌آمی جهانی است. ما نمیتوانیم این امر مهم را نادیده بگیریم. نسل‌مادر تاریخ بشریت نخستین بار است که بایک چنین خطری مواجه میشود.

تکامل جامعه سرمایه‌داری، نمونه سطح زندگی و مصرف بی‌بندوبار و اسراف را بوجود آورده و متأسفانه این امر به دیگر کشورها نیز سرایت میکند. بسیاری از کشورهای منطقه ما رشد اقتصادی را، با کوشش برای رسیدن به آن زندگی که در نیویورک و لندن و پاریس وجود دارد، یکسان میدانند، اما بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری و

عوارض آن، تورم، بحران انرژی و بیکاری را نمی‌خواهد ببینند، کمتر کشوری در میان جنبش غیرمتعهدانه وجود دارد که از این مصائب مصون مانده باشد. به عقیده ما، مبارزه در راه صلح، در راه استقرار نظام عادلانه روابط اقتصادی و حل عادلانه مسائل مبرم دیگر، که با سر نوشت و منافع کشورهای مادر ارتباط هستند، برای حیثیت کشورهای غیرمتعهد از عمده مسائل اند.

صلح، تشنج‌زدائی، همزیستی مسالمت‌آمیز، خلع سلاح، مسائلی هستند که در راه تحقق آنها باید مبارزه کرد. اگر ما به سر نوشت بشریت علاقمند هستیم، در جهان امروز جز این راه، راه ممکن دیگری وجود ندارد.

به همین مناسبت، کشورهای عضو جنبش ما باید از همه کوششهایی که در این راه بعمل می‌آید، حمایت کنند. پس ما باید با احساس رضایتمندی و نظر تأیید از قرارداد سالت ۲ (محدود کردن سلاحهای استراتژیک) که اتحاد شوروی و ایالات متحد امریکا امضاء کرده‌اند، پشتیبانی کنیم. در عین حال باید کوششهای نیروهای ارتجاعی و جنگ طلب را برای بازگشت به دوران جنگ سرد، محکوم کنیم.

نزد ما مارکسیستها جنگ و تسلیحات، در بعد تاریخی آن، با سیستم و نظام بهره‌کشی انسان از انسان و آزمندهی پایان‌ناپذیر این نظام پیوند ناگسستنی دارند. این نظام بر حسب سرشت و ماهیت خود، برای به جنگ آوردن منابع خام به اشغال نظامی و تجاوز به سرزمین دیگران اقدام میکند. ما زمانی در سازمان ملل متحد بیان کردیم، «پایان ایدئولوژی چپاولگری، پایان ایدئولوژی جنگ خواهد بود».

سوسیالیسم، به مثابه یک نظام اجتماعی، برای اقتصاد خود به تولید اسلحه نیاز ندارد. سوسیالیسم به نیروهای صلح جهت‌فصب و اشغال منابع طبیعی خلقهای دیگر نیاز ندارد. ما نمایندگان آنی که در این کنفرانس گرد آمده‌ایم، نمایندگان اکثریت عظیم خلقهای جهان هستیم. پس بیائید نیروی روزافزون جنبش نیرومند خود را در سازمان ملل متحد و در همه مجامع بین‌المللی متحد و هماهنگ کنیم و برای خلقهای خود استقرار روابط اقتصادی بین‌المللی عادلانه و پایان بخشیدن به غارت منابع و ثروت‌های ملی خویش را خواستار شویم. بیائید برای احقاق حقوق خود، حق تکامل، حق زندگی و حق آینده سعادتمند ایستادگی کنیم.

نظام اقتصادی مبتنی بر فروتنند شدن گروهی به حساب بهره‌کشی از دیگران، آن نظامیکه تا دیروز خلقهای ما را به فقر محکوم کرده بود و میکوشد در همان وضع عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی ما را نگهدارد، دیگر در حال افول است. باشد که در این ششمین کنفرانس سران دول و کشورهای جنبش غیرمتعهدانه، هم‌راست برای مبارزه در راه ایجاد شود و نتیجه این کنفرانس، به اقدامات مشخص و عمل بی‌انجام، نه تنها، سخنرانی.

شاید این اظهارات من، در گشایش کنفرانس، چندان با موازین دیپلماسی وفق ندهد و احتمال دارد با پروتکل مصوبه مطابقت کامل نداشته باشد. اما من امیدوارم که هیچک از نمایندگان درصمیمیت و صداقت گفته‌های من تردید نداشته باشند.

پایان

سفیر ایران در شوروی:

روابط ایران با شوروی عالی است

● رسانه‌های گروهی شوروی، دانشمندان، سیاستمداران و بخصوص مسلمانان انقلاب، ایران را ستوده و آنرا حماسه‌آفرین تلقی کردند.

دکتر محمد مکرری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، در گفت‌وگویی با خبرنگارهای ناس و نوشتی، روابط ایران و شوروی را عالی توصیف کرد.

دکتر محمد مکرری با اشاره به مذاکرات دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران با گرومیکو روابط دو کشور را در سطح عالی توصیف کرد و اظهار داشت انقلاب ایران این کشور را از قید انکاز به خارجیان رها کرده است. خروج ایران از یمن سنتو، تمطیل پایگاههای جاسوسی امریکا در ایران، عدم ایفای نقش ژاندارم منطقه، قطع رابطه با اسرائیل و افریقای جنوبی، حمایت از آرمانهای مردم فلسطین و سایر جنبشهای آزادی‌خواه و پیوستن ایران به جرگه کشورهای غیرمتعهد، هر کدام قریبه‌ای است به اینکه ایران برای تقویت استقلال سیاسی خود کوشش می‌کند و مردم ایران مایلند با همسایه شمالی خود در صلح و دوستی متقابل زندگی کرده و از ثمرات همکاری‌های دوجانبه بهره‌مند شوند.

سفیر ایران از جراید شوروی که نسبت به انقلاب ایران موضع واقع‌بینانه اتخاذ کرده‌اند تشکر کرد و اظهار داشت،

... «رسانه‌های گروهی شوروی، دانشمندان، سیاستمداران و بخصوص مسلمانان، انقلاب ایران را ستوده و آنرا حماسه‌آفرین تلقی کردند».



همکاری سازمانهای جاسوسی آمریکا و مصر و اسرائیل در توطئه علیه انقلاب ایران

روزنامه «الشعب» چاپ لبنان، در تفسیری پیرامون اوضاع ایران مینویسد که، آمریکا تلاش دارد با استفاده از اوضاع ایران، رژیم انقلابی کنونی در کشور را سرنگون سازد و یک رژیم هوادار آمریکا بر سر کار آورد. اداره مرکزی اطلاعات آمریکا، «سیا»، با همکاری سازمانهای جاسوسی اسرائیل، انگلستان و مصر در این زمینه همکاری میکند. عملیات تخریبی و ترور که در ایران انجام میگردد از اجزاء این توطئه‌اند. این روزنامه مینویسد که مسافرت اخیر رئیس دایره خاورمیانه «سیا» به قاهره و بیت المقدس هدف هماهنگی این توطئه‌ها را داشته‌است و به همین منظور با نمایندگان سازمانهای جاسوسی مصر و اسرائیل ملاقات و مذاکراتی بعمل آورده‌است. روزنامه «الشعب» در پایان تفسیر خود مینویسد، نقشه این عملیات توطئه‌گرانه علیه ایران با تمام جزئیات آن، از آنجمله مداخله مسلحانه مستقیم امریکا، با همکاری نزدیک سازمانهای جاسوسی مصر و اسرائیل و امریکا طرح‌ریزی و تهیه شده‌است.

اتحادیه کارگران جوان امریکا خواستار کاهش بودجه نظامی امریکا است

سازمان امریکائی بنام «اتحاد کارگران جوان بخاطر آزادی» تصویب هر چه زودتر قرار داد سالت ۲ و محدود کردن سلاحهای استراتژیک میان امریکا و شوروی را خواستار شد. در پیام منتشره از جانب این سازمان خاطر نشان شده است که تصویب این قرارداد به استحکام جهانی صلح کمک میکند و امکان خواهد داد که در امریکای آینده‌های هفت نظامی کاهش یابد و برای مبارزه با تورم، بیکاری و در زمینه بهداشت و امور اجتماعی اعتبارات بیشتری مصرف شود.

خبرگزاری تاس ادعای برآون راز کرد

خبرگزاری تاس اظهارات برآون، وزیر امور خارجه امریکا، رامبلی بر اینکه گویا هزینه‌های نظامی دولت شوروی طی پانزده سال اخیر فوق‌العاده افزایش یافته است، رد کرد. در این خبر گفته میشود که هزینه‌های دفاعی اتحاد شوروی، از سال ۱۹۶۸ تا کنون، فقط ۴ میلیارد و چهارصد میلیون روبل افزایش یافته، در حالیکه، هزینه‌های نظامی امریکا، طی این مدت، ۷۶ میلیارد و چهارصد میلیون دلار افزوده شده‌است.

بیکاری - بیماری مزمن نظام سرمایه‌داری

برابر آمار رسمی منتشره از مرکز بازار مشترک اروپا، شماره بیکاران در ۹ کشور عضو این بازار دوباره سه‌شش میلیون نفر میزند. این شاخص فقر اجتماعی زحمتکشان، از دوران بحران سالهای ۷۵-۱۹۷۴ در این کشورها، همچنان در این حد باقیست. در ایتالیا ۷٫۶ درصد، در بلژیک ۸ درصد، در فرانسه ۵/۸ درصد اهالی، که قابلیت کار دارند، ارتش بیکاران را تشکیل میدهند.

تغییر کابینه به چه معنی است؟...

بقیه از صفحه ۹

جدید، وجود دارد، مردم بیش از هر چیز انتظار دارند که مسئله کردستان بعنوان مهمترین و حادثترین مسئله کنونی کشور، اولین ماده دستور کار قرار گیرد و این مسئله از راه مسالمت‌آمیز و به سود تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهار چوب وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران حل شود.

صرف نظر از اینکه در باره لزوم وصحت انتصاب آقای چمران به وزارت دفاع ملی، بحثهای فراوان و حادی در محافل سیاسی و اجتماعی وجود دارد، اظهارات آقای چمران، وزیر جدید دفاع، درباره پیمانهای نظامی با کشورهای امپریالیستی و بازسازی ارتش، باردیگر مسائل حیاتی مربوط به استقلال و امنیت کشور را مطرح میسازد.

مردم از همان آغاز پیروزی انقلاب، ضرورت لغو بدون قید و شرط همه قراردادهای اسارت آور با کشورهای امپریالیستی، و قبل از همه، قرارداد استعماری و استقلال شکن نظامی با امریکا، و بازسازی و نوسازی ارتش، از راه قطع وابستگی ارتش به امپریالیسم امریکا، و تصفیه بنیادی ارتش از سر سپردگان به رژیم سابق بودند. متأسفانه این خواست مردم هنوز انجام نگرفته و این خطری است که همچنان استقلال میهن ما را تهدید میکند. مردم از وزیر جدید دفاع می‌طلبند که از مرحله حرف بگذرد و به مرحله عمل برسد و قضاوت آخرین خود را در سخنان و وعدهها فقط زمانی خواهند کرد که ببینند این خواستهای اساسی و حیاتی تحقق خواهد پذیرفت یا نه.

کار وزارت آموزش و پرورش با سر نوشت میلیونها نفر از نوجوانان و جوانان ما بستگی دارد، مسئله‌ایست که برای تمام خانواده‌های ایرانی مطرح است. متأسفانه در آموزش و پرورش ما، از یکسو به علت تصمیمات و روشهای متناقض از جانب مسئولان امور این وزارتخانه، هر چه مرج حکمفرماست، از جانب دیگر به علت تصمیمات نادرست و زیان بخش، اختلال جدی در کار آموزش و پرورش بروز کرده است. و این هر دو، اگر ادامه یابد، خطرات جدی برای آموزش و پرورش ما و نسل جوان، در بر دارد. و همین واقعیت است که نگرانی عمیق همه مردم و بویژه نوجوانان و جوانان و خانواده‌های آنان را برانگیخته است.

نوجوانان و جوانان، پدران و مادران آنها، و همه مردم ایران انتظار دارند که نظام آموزشی خلقی و ملی در ایران پس از انقلاب برقرار گردد، آموزش رایگان برای همه فراهم شود، محیط آزاد و سالم و خلاق در آموزش و پرورش و فرهنگ تأمین گردد، ناسل جوان ما، که در انقلاب بزرگ مردم ایران فعالانه شرکت کرده و خون داده، بتواند با همان روح پر شور انقلابی در ساختن ایرانی نوین، ایران مستقل، آزاد و آباد شرکت کند.

اینها انتظارات مردم است. و روشن است که مردم قبل از هر چیز عمل را ملاک قضاوت خود قرار میدهند و این عمل اگر بسود آنها و انقلاب آنها باشد، مورد تأیید آنها قرار میگردد و در غیر این صورت انگیزه انتقاد آنها و مبارزه آنها برای رفع نقائص و معایب و اشتباهات و انحرافات و سیاستهای غلط.

ما نیز که در راه مردم گام برمیداریم، جز این سیاستی نداریم.